

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرمان سیاسی

ویژه موادت و اغتشاشات شهریور و مهر ۱۴۰۱

به انضمام شمیم ولایت

مقدمه :

«جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است.»

«بصیرت رمز عبور از فتنه‌ها است.»

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

حوادث و اغتشاشات پدید آمده در کشور به بهانه فوت خانم مهسا امینی، از ابعاد و زوایای مختلف قابل بررسی و مطالعه می‌باشد. نکته‌ای که نباید هیچ تردیدی در آن راه داد، بهانه قرار دادن فوت این خانم برای ایجاد اغتشاش و ناآرامی در کشور است. این اغتشاشات در شرایطی رخ داد که علاوه بر آرامش حاکم بر کشور، جمهوری اسلامی در شش ماهه اول سال جاری، با موفقیت‌ها و دستاوردهای بسیار ارزشمندی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همانند: همراهی قشرهای مختلف جامعه در مراسم‌های عید غدیر، اربعین حسینی (ع) و موج بین‌المللی سرود سلام فرمانده، ایستادگی کشور در حوزه سیاست خارجی در برابر فشارها و زیاده‌خواهی‌های آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در مذاکرات هسته‌ای، اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها و حل بخش قابل توجهی از چالش‌های آبی

کشور، قطعی برق و ... مواجه بود. به طور قطع دشمنان بر نمی تابند که جمهوری اسلامی پس از سال‌ها تحریم و تحت فشار بودن، بتواند در کمال آرامش و برخورداري از امنیت پایدار داخلی، بر مشکلات غلبه و حرکتش در مسیر پیشرفت شتاب پیدا کند. بر همین اساس راهبرد دشمنان در سال‌های اخیر، هدف قرار دادن امنیت ایران و دامن زدن به اغتشاشات و ناآرامی‌ها بوده و راهبرد «ایجاد اغتشاش» در میان راهبردهای دشمنان در تهدیدات ترکیبی و تهاجم همه‌جانبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دشمن برای پیاده‌سازی این راهبرد از سیاست‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات تاکتیکی استفاده می‌کند که تولیدکننده سؤال و ایجادکننده شبهه در جامعه می‌باشد.

تمرکز بر بحث‌های به ظاهر حقوق بشری، موضوع حجاب و مسئله آزادی زنان و جوانان در کانون توجه استکبار قرار دارد. تصور سردمداران جبهه مقابل انقلاب اسلامی، آن است که این قبیل موضوعات از ظرفیت بالایی برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی برخوردار است. بنابراین در

شرایط کنونی، یک جنگ رسانه‌ای و جنگ تمام‌عیار شناختی علیه ملت ایران به راه افتاده است. یکی از راه‌های مقابله با این جنگ شناختی، پاسخ به سؤالات و شبهات ذهن مردم و خصوصاً جوانان می‌باشد. در متن حاضر تحت عنوان «پرسیمان سیاسی» تلاش شده که به پرتکرارترین سؤالات و شبهات مرتبط با حوادث و اغتشاشات اخیر پاسخ داده شود.

شمیم ولایت

محورهای مهم بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای
در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های
افسری نیروهای مسلح (۱۱ مهر ۱۴۰۱)

۱. حمله به امنیت کشور و تضعیف کشور

- آن کسی که به پاسگاه پلیس حمله می‌کند، [دارد] به امنیت کشور حمله می‌کند؛ آن که به پایگاه بسیج حمله می‌کند، دارد به امنیت کشور حمله می‌کند. آن که در اظهارات، در سخنرانی، در گفت-وگوها ارتش را یا سپاه را مورد طعن قرار می‌دهد، به امنیت کشور دارد اهانت می‌کند.
- تضعیف سازمان‌های نیروهای مسلح، تضعیف امنیت کشور است. تضعیف پلیس به معنای تقویت مجرمین است. پلیس موظف است در مقابل مجرم بایستد، امنیت آحاد مردم را تأمین کند. آن کسی که به پلیس حمله می‌کند، در واقع مردم را بی‌دفاع می‌گذارد در مقابل مجرمین، در مقابل اراذل و اوباش، در مقابل دزد، در مقابل زورگیر.

۲. امنیت درون‌زا یک امتیاز برای کشور است

■ امتیاز بزرگ کشور ما این است که امنیتی که داریم، امنیت درون‌زا است. فرق دارد که یک کشوری، یک ملتی، از درون خود، با نیروهای خود، با قدرت خود، با اندیشه و فکر خود برای خودش امنیت ایجاد کند، یا یکی از بیرون بیاید بگوید من برای شما امنیت ایجاد می‌کنم، شما را حفظ می‌کنم؛ مثل کسی که از گاو شیرده خودش حراست می‌کند؛ خیلی با هم فرق دارند. امنیت ما درون‌زا است. آن که به نیروی خارجی متکی است، همان نیروی خارجی او را در روز مبادا و خواهد گذاشت؛ نه می‌تواند و نه می‌خواهد از او حراست کند و حفاظت کند.

■ در این حوادث چند روز اخیر، بیش از همه به سازمان انتظامی کشور ظلم شد، به بسیج ظلم شد، به ملت ایران ظلم شد؛ ظلم کردند.

۳. ملت در این حادثه قوی ظاهر شد

■ البتّه ملّت در این حادثه هم مثل حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد؛ مثل همیشه، مثل گذشته؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. در آینده هم هر جا دشمنان بخواهند اختلالی ایجاد کنند، آن که بیش از همه سینه سپر می‌کند و بیش از همه اثر می‌گذارد، ملّت شجاع و مؤمن ایران است؛ وارد میدان می‌شوند؛ و وارد میدان شدند. بله، ملّت ایران، مظلوم است اما قوی است؛ مثل امیرالمؤمنین، مثل مولای متّقیان، سرور خودش علی (علیه‌السّلام) که قوی‌ترین بود و مظلوم‌ترین.

۴. اغتصابات برنامه‌ریزی شده بود

■ در این حادثه‌ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خب حادثه‌ی تلخی بود، دل ما هم سوخت. ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ گونه امر مسلّمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عده‌ای بیایند خیابان را ناامن کنند، ناامنی را برای مردم به وجود بیاورند، امّیّت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند،

حجاب از روی سر زن محجّه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین‌های مردم را آتش بزنند.

- واکنش به یک قضیه‌ای که حالا تأسّف آور هم هست، موجب نمی‌شود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی شده بود. اگر قضیه این دختر جوان هم نبود، یک بهانه دیگری درست می‌کردند برای اینکه امسال در اوّل مهر به دلیلی که عرض خواهم کرد، در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند.

۵. برنامه‌ریزی اغتشاشات کار آمریکا و رژیم صهیونیستی است

- چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده به صراحت می‌گویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ بعضی‌ها تا ما می‌گوییم «فلان حادثه را دشمن خارجی ایجاد کرده»، روی این کلمه «دشمن خارجی» کانه حساسیت دارند؛ تا می‌گوییم «آقا! این کار، کار خارجی‌ها بود، کار دشمنان

خارجی بود»، فوراً سینه سپر می کنند برای دفاع از سازمان جاسوسی آمریکا یا صهیونیست ها! انواع تحلیل را، انواع لفاظی های مغالطه آمیز را وسط می کشند برای اینکه اثبات کنند که نه، پای خارجی ها، دست خارجی ها در این قضیه وجود نداشته.

■ در دنیا خیلی اغتشاشات به وجود می آید؛ در اروپا، در فرانسه، هر چند وقت یک بار یک اغتشاش مفصل در خیابان های پاریس به راه می افتد؛ من سؤال می کنم که آیا سابقه دارد رئیس جمهور آمریکا و مجلس نمایندگان آمریکا از اغتشاشگران حمایت بکنند؟ آیا سابقه دارد که پیام بفرستند که ما در کنار شما هستیم؟ آیا سابقه دارد که رسانه های جمعی وابسته به سرمایه داری آمریکا و دولت آمریکا و مزدوران آنها مثل متأسفانه بعضی از دولت های منطقه، از جمله دولت سعودی، به راه بیفتند برای اینکه از اغتشاشگر حمایت بکنند؟ چنین چیزی سابقه دارد؟ سابقه دارد که اعلان کنند ما فلان سخت افزار و فلان نرم افزار اینترنتی را در اختیار اغتشاشگران قرار می دهیم تا بتوانند

با هم راحت ارتباط برقرار کنند و کارشان را دنبال کنند؟ چنین چیزی در هیچ جای دنیا، در هیچ یک از کشورها سابقه دارد؟ اما اینجا اتفاق افتاد؛ نه یک بار، نه دوبار، بارها و بارها. خب، چطور شما دست خارجی را نمی‌بینید؟

■ البته آنها به دروغ اظهار تأثر می‌کنند برای اینکه یک نفری از دنیا رفته؛ [اما] دروغ می‌گویند و به هیچ وجه متأثر نیستند؛ خوشحالند، شادمانند برای اینکه یک بهانه‌ای به دست آوردند تا بتوانند حادثه آفرینی کنند؛ دروغ می‌گویند.

۶. سران سه قوه همدردی کردند

■ اینجا مسئولان سه قوه اظهار تأسف کردند، همدردی کردند با اینها؛ قوه قضاییه قول داد کار را تا نهایت دنبال کند؛ خیلی خب، تحقیق یعنی همین؛ یعنی کار را دنبال کنند، ببینند، نتیجه معلوم بشود، ببینیم مقصّر وجود دارد یا ندارد و مقصّر کیست.

- چطور شما یک سازمان را، یک مجموعه‌ی عظیم خدمتگزار را، مورد تهمت قرار می‌دهید، مورد اهانت قرار می‌دهید برای احتمال اینکه یک خطایی از یک نفر یا دو نفر سر زده باشد که آن هم یقینی نیست و تحقیق نشده است؟ هیچ منطقی پشت سر این حرف نیست؛ این جز کار دستگاه‌های جاسوسی، جز کار سیاستمداران خبیث عنود خارجی هیچ عامل دیگری ندارد.

۷. انگیزه دشمنان از ایجاد اغتشاش در کشور

- حالا انگیزه دولت‌های خارجی چیست؟ آنچه بنده احساس می‌کنم، انگیزه‌ی آنها این است که احساس می‌کنند کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمی‌توانند تحمل کنند؛ این را احساس می‌کنند، می‌بینند. می‌بینند که بحمدالله بعضی از گره‌های قدیمی در حال گشوده شدن است.
- البته کشور خیلی مشکل دارد، بر بعضی از این مشکلات سال‌ها گذشته، [اما] حرکت جدی‌ای وجود دارد برای برطرف کردن این

مشکلات، برای گشودن این گره‌ها. حرکت به سمت پیشرفت را می‌بینند که شتاب گرفته در کشور؛ این واقعیتی است. در همه بخش‌ها یک حرکت شتابنده‌ای را انسان مشاهده می‌کند، احساس می‌کند؛ این را آنها هم احساس می‌کنند. آنها نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد.

■ می‌بینند که کارخانه‌های نیمه‌تعطیل به کار افتاده، می‌بینند که دانش‌بنیان‌ها فعال شده‌اند، می‌بینند که تولیدات پیشرفته در بعضی از بخش‌ها روزبه‌روز خود را دارد نشان می‌دهد، می‌بینند که کارهایی دارد انجام می‌گیرد که می‌تواند تهاجم تحریم را – که تنها اسلحه‌ی دشمن فعلاً تحریم است – خنثی کند؛ این را مشاهده می‌کنند. برای اینکه این حرکت را متوقف کنند، نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند.

■ برنامه‌ریزی کرده‌اند برای دانشگاه، برنامه‌ریزی کرده‌اند برای خیابان؛ برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ دشمن برنامه‌ریزی کرده که دانشگاه تعطیل بشود، نسل جوان سرگرم بشوند، برای مسئولین کشور مسائل جدیدی به وجود بیاید؛ در شمال غرب کشور، در جنوب شرق کشور مسائلی به

وجود بیاید؛ اینها همه سرگرم کننده است؛ اینها کارهایی است که برای این دارد ایجاد می شود و تحریک می شود که حرکت پیشرونده کشور را متوقف کنند.

۸. دشمنان مثل همیشه اشتباه می کنند

- البتّه اشتباه می کنند؛ هم در شمال غرب اشتباه می کنند، هم در جنوب - شرق اشتباه می کنند. من در میان قوم بلوچ زندگی کرده ام؛ جزو اقوام وفادار عمیق به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی اند. قوم گُرد یکی از پیشرفته ترین اقوام ایرانی اند؛ علاقه مند به میهنشان، علاقه مند به اسلامشان، علاقه مند به نظام اسلامی شان. نقشه آنها نخواهد گرفت، اما آنها زهر خودشان را می ریزند، کار خودشان را می کنند.
- این [کارها] نشان دهنده ی باطن دشمنان ما است. آن دشمنی که در اظهارات دیپلماسی می گوید ما قصد تهاجم به ایران را نداریم، ما قصد تغییر نظام جمهوری اسلامی را نداریم، ما با شما دشمنی نداریم و با ملت ایران موافقیم، باطنش این [چیزی] است که مشاهده می کنید؛

باطنش توطئه است، باطنش ایجاد اغتشاش است، باطنش نابود کردن امنیت کشور است، باطنش تحریک هیجان کسانی است که با یک هیجانی ممکن است تحریک بشوند و بیایند وسط خیابان؛ باطنش این است.

۹. با ایران مخالفند

■ آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است. همه بحث آنها، همه‌ی دعوای آنها سر جمهوری اسلامی نیست؛ البتّه با جمهوری اسلامی به شدّت و عمیقاً دشمنند، در این شکی نیست، اما بدون جمهوری اسلامی هم با ایرانی که قوی باشد مخالفند، با ایرانی که مستقل باشد مخالفند.

■ آنها ایران دوران پهلوی را دوست دارند: گاو شیرده و مطیع اوامر آنها که شاه مملکت برای یک تصمیم، ناچار بشود سفیر انگلیس یا سفیر

آمریکا را بخواهد و از او کسب تکلیف بکند! این ننگ را ملت ایران چگونه می‌تواند تحمل بکند؟ آنها این را می‌خواهند؛ با ایران مخالفند.

■ زورگویان اینها هستند، فرمان دست اینهایی است که پشت صحنه هستند. بنابراین، دعوا بر سر مسئله‌ی باحجاب و بدحجاب نیست؛ دعوا بر سر از دنیا رفتن یک دختر جوان نیست؛ دعوا اینها نیست. خیلی از این کسانی که حجاب کاملی هم ندارند، جزو هواداران جدی نظام جمهوری اسلامی هستند؛ شما می‌بینید در مراسم مذهبی، در مراسم انقلابی، اینها شرکت می‌کنند؛ بحث سر اینها نیست. بحث سر اصل استقلال و ایستادگی و تقویت و اقتدار ایران اسلامی است؛ بحث سر این است.

۱۰. اغتشاشگران یک حکم ندارند

■ این کسانی که در خیابان فساد و تخریب می‌کنند و کردند، اینها همه یک حکم ندارند. بعضی از اینها جوانان و نوجوانانی هستند که هیجان ناشی از ملاحظه‌ی فرض کنید که فلان برنامه‌ی اینترنتی اینها را به

خیابان می‌کشاند؛ هیجانی‌اند، احساساتی‌اند، احساساتی می‌شوند می‌آیند. البته همه‌ی اینها، در مجموع، عده‌ی بسیار کمی هستند در مقابل ملت ایران و در مقابل جوانان مؤمن و غیور ایران اسلامی؛ لکن همین-هایی که هستند، یک عده‌شان کسانی هستند که آنها را احساسات و هیجان به خیابان می‌کشاند؛ مشکل اینها را با یک تنبیهی می‌شود حل کرد؛ یعنی هدایتشان کرد و تفهیم کرد که اشتباه می‌کنند.

■ لکن بعضی از اینها این جور نیستند؛ بعضی از اینها بازمانده‌های عناصر ضربت‌خورده‌ی چهل سال گذشته هستند: منافقین، تجزیه‌طلب‌ها، بقایای رژیم منحوس پهلوی، خانواده‌های ساواکی‌های مطرود و منفور که بی‌انته‌ی اخیر وزارت اطلاعات تا حدود زیادی برخی از این مطالب را روشن کرد؛ البته مطالب بیشتری هم وجود دارد. قوه قضاییه بایستی اینها را به میزان مشارکتشان در تخریب و ضربه به امنیت خیابان‌ها محاکمه کند و برایشان مجازات معین کند.

۱۱. بعضی از خواص مواضع خود را اصلاح کنند

■ در همان اوّل کار، بعضی از خواص، حالا ناشی از دلسوزی – دلشان سوخت – بدون تحقیق اطلاعیه دادند، بیاتیه دادند، حرف زدند، اظهاراتی کردند – البته تحقیق نکرده – بعضی هایشان سازمان انتظامی کشور را متهم کردند، پلیس را متهم کردند، بعضی شان مجموعه‌ی نظام را متهم کردند؛ هر کسی یک جوری یک حرکتی کرد. خب حالا حساب این جداست، لکن بعد از آنکه دیدند قضیه چیست، بعد از آنکه فهمیدند در نتیجه‌ی حرف‌های آنها همراه با برنامه‌ریزی دشمن چه اتفاقی در خیابان و در مسیر عمومی مردم می‌افتد، بایستی آن کار خودشان را جبران می‌کردند؛ باید موضع بگیرند، باید صریحاً اعلام کنند که با آنچه اتفاق افتاده مخالفند، بایستی تفهیم کنند که با برنامه‌ی دشمنان خارجی مخالفند. باطن قضیه معلوم شد.

■ وقتی شما می‌بینید که عنصر سیاسی آمریکایی این قضایا را به دیوار برلین تشبیه می‌کند، خب باید بفهمید که غرض چیست؛ باید بفهمید که مسئله، مسئله‌ی دلسوزی برای یک دختر جوان نیست؛ این را باید

می فهمیدید؛ اگر نفهمیدید، بفهمید؛ اگر فهمیدید، باید موضع اعلام بکنید. این هم یک نکته.

۱۲. جامعه ورزش و هنرمند ما سالم است

■ برخی چهره‌های ورزشی و هنری هم موضع‌گیری‌هایی کردند؛ به نظر بنده هیچ اهمیّت ندارد؛ روی این نباید حسّاسیّت به خرج داد. جامعه ورزشی ما جامعه سالمی است، جامعه هنری ما هم جامعه سالمی است. عناصر مؤمن، علاقه‌مند، باشرف، در این جامعه ورزشی و هنری کم نیستند، زیادند؛ حالا چهار نفر هم یک حرفی می‌زنند؛ حرف آنها ارزشی ندارد. اینکه حالا آیا عناوین مجرمانه بر حرف آنها تطبیق می‌کند یا نه، به عهده قوه قضاییه است، اما از لحاظ نگاه عمومی هیچ اهمیّت و ارزشی ندارد و جامعه‌ی هنری ما و ورزشی ما با این گونه حرکت‌ها، با این رفتارهای دشمن‌شادکن، آلوده نخواهد شد.

پرسش و پاسخ

۱- چرا عمده تحلیلگران منسوب به نظام حوادث به وقوع

پیوسته در جامعه را که در اعتراض به ضرب و شتم منجر به

فوت خانم امینی توسط نیروی انتظامی بوده اعتراض

نمی‌دانند بلکه با تعبیر جنگ یا اغتشاش خیابانی از آن نام

می‌برند؟

این تفاوت نگاه در بندهای ابتدایی سؤال هم وجود دارد؛ آیا به واقع، خانم امینی با ضرب و شتم پلیس فوت شد؟ در حالی که هم مدارک پزشکی بیمارستانی که در آن فوت شد، هیچ ضرب و شتمی را تأیید نمی‌کند و هم تمام مدارک، شواهد و فیلم‌های موجود هیچ نوع برخوردی را نشان نمی‌دهد. اما اینکه عده‌ای از دشمنان نشان‌دار نظام اسلامی آمدند با موج سواری و روایت‌سازی این فوت و حادثه را که ممکن است برای هر کسی با سوابق بیماری خانم امینی پیش بیاید، تبدیل به اسم رمز آشوب کردند، مشکوک و مبتنی بر طراحی قبلی برای فشار آوردن و ضربه زدن به نظام بوده است.

در ثانی، فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده برای آوردن مردم به کف خیابان‌ها، آتش زدن مقدسات، قرآن و مساجد، زدن مردمی که ظاهر مذهبی دارند، نشانه‌های جنگ خیابانی است تا اعتراض؛ چرا که اعتراض در عرف سیاسی دنیا دارای تعریف، مختصات و شاخص‌هایی است که هیچ کدام در رفتارهایی که از سوی آشوبگران به منصفه بروز رسید دیده نشد و بلکه خشونت، توحش مدرن به سبک بازی‌های یارانه‌ای، چاقوزدن‌های آموزش دیده شده، آتش زدن و کشتن را دیدیم که همه مشخصه‌های جنگ و اغتشاش است. دشمنان به این جمع‌بندی رسیده‌اند چون حربه‌های پیشین آنها برای مواجهه با انقلاب و نظام اسلامی شکست خورده، باید به سراغ یک حربه جدید یعنی ایجاد آشوب و اغتشاشات داخلی بروند. اگرچه حجم افراد حاضر در اغتشاشات اخیر نسبت به قبلی‌ها بسیار کم است، اما این افراد آموزش دیده و به دنبال خشونت هستند. لذا باید گفت که در این اغتشاشات اعتراض خیابانی نداشتیم بلکه شاهد نوعی جنگ خیابانی بودیم. یعنی افرادی آموزش دیده بودند تا کشور را دچار آشوب کنند. صدا البته که دستگاه‌های قانونگذار و سیاستگذار در کشور باید اصل هشتم قانون

اساسی را اجرا کنند و سازوکارهای اعتراضات منطقی و بحق شهروندان در چارچوب انضباط مدنی ایجاد گردد.

۲- چرا آشوبگران در ماجرای اخیر به سرعت سراغ «آتش افروزی و اقدامات خشن و جنایتکارانه و ایجاد هیاهو» و «حمله به حجاب، مساجد، حسینیه‌ها و پرچم‌های عزای سالار شهیدان» رفتند؟

- قاطبه مردم، کمترین همراهی با طراحان آشوب نکردند. بنابراین، آشوبگران مأموریت یافتند با صحنه‌سازی‌های تند و خشن خلأ بزرگ «حمایت مردم» را بپوشانند.
- پشت صحنه ماجرا از برنامه‌ریزی گسترده برای عقده‌گشایی علیه ایران اسلامی حکایت می‌کند که سد راه یاغی‌گری غرب در منطقه و در مقابل کشورمان بوده است.
- مستندات فراوان می‌گوید ایران قوی و قدرتمند، خار چشم رژیم‌های یاغی مانند آمریکا، اسرائیل و انگلیس است. آنها تجزیه ایران و به تحلیل بردن قدرت آن را همواره در دستور کار داشته‌اند.

- علت دیگر شرارت و اقدامات خشن آشوبگران، نیاز غرب به تحریف واقعیت ایران قوی در نگاه ناظران جهانی است تا از اثرگذاری منحصر به فرد ایران در معادلات جهانی بکاهد. توضیح اینکه سیاستمداران ارشد غرب، بارها در چند سال اخیر گفته‌اند پروژه «قرن جدید آمریکایی» در میدان عمل جای خود را به «قرن جدید آسیایی» داده است و در این میان، مقاومت ایران توانسته به قدرت‌هایی مثل چین و روسیه، جرئت نقش آفرینی بیشتر در تغییر معادلات جهانی را بدهد. ایران بود که جبهه آمریکا، اسرائیل و ناتو را در دو جنگ موسوم به جنگ جهانی چهارم و سوم به هزیمت کشاند، هرچند که موضوع اصلی پروژه ویرانی طلبانه و تجزیه طلبانه «خاورمیانه جدید» بود. ایران نگذاشت سرنوشت رقت‌بار جنگ داخلی و تجزیه لیبی در لبنان، سوریه، عراق و یمن تکرار شود و از تحریم‌شدگی در جنگ تحمیلی صدام (در حد سیم خاردار) به تولیدکننده و صادرکننده پهپادهای فوق‌مدرن و موشک‌های دوربرد نقطه‌زن تبدیل شد. ایران نشان داد که بدون بستن با کدخدا و معطل ماندن در قبال عهدشکنی او، می‌توان

موانع تحریمی را به تدریج از پیش پا برداشت و به سمت رونق اقتصاد حرکت کرد.

- تلاش برای ایجاد ناآرامی خشونت‌بار در ایران، رفتاری از سر درماندگی غرب است تا شاید به زور حُقه‌های رسانه‌ای و به خیابان آوردن چند هزار نفر در خیابان، «مردم‌ربایی» کند و اشرار جنایتکار یا برخی عناصر فریب‌خورده را جای یک ملت ۸۵ میلیونی یا پایتخت هشت میلیون نفری جا بزند و تصور «ایران ضعیف» را جای حقیقت «ایران قوی» بنشانند. این جنگ روانی، همان واقعیتی است که «کیت کلارنبرگ» روزنامه‌نگار تحقیقی، تحت عنوان «رمزگشایی از جنگ آنلاین پنتاگون علیه ایران» بدان پرداخته است. درست در دوره‌ای که دولت غربگرا و وزارت ارتباطات در ایران سرگرم واگذاری شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات به بیگانگان بود، جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا، چهارم مرداد ۱۳۹۴ در شورای روابط خارجی آمریکا گفت: «به ایران امروز نگاه کنید... ۲۵ درصد جوانان آنها بیکارند. اگر به تهران بروید- من نرفتم ولی دوستانم که رفته‌اند به من گفتند که- جوانان به دنبال گوشی‌های هوشمند هستند و می‌خواهند بخشی از دنیا باشند.» اما

آیا «مالیا» و «ساشا»، دختران ۱۰ و ۱۴ ساله باراک اوباما حق نداشتند بخشی از همین دنیایی باشند که کری می گفت؟! پاسخ اوباما منفی بود. او اواخر آذر ۱۳۹۰ گفت: «دخترانم را از استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک منع می کنم. این مکانی امن برای گذران اوقات فراغت دخترم نیست. چرا باید بخواهیم با افرادی روبه رو شویم و از امور ما باخبر باشند، در حالی که آنها را نمی شناسیم. این عاقلانه نیست.»

۳- آیا اغتشاشات اخیر فرصتهایی برای ایران داشت یا تنها

خسارت بود و مشکلات؟

شهید سلیمانی می گفت: «من با تجربه می گویم میزان فرصتی که در بحرانها وجود دارد، در خود فرصت ها نیست. اما شرط آن این است که نترسید و نترسیم و نترسانیم.» این، یک الگوی عملیاتی موفق است، به شرط اینکه تردید، تحقیر، رودربایستی و انفعال کنار زده شود. هر قدر درباره روشنگری و بصیرت مردم تلاش کنیم، جا دارد و باید هم انجام بشود. اما نباید درباره تروریست ها، اشرار، تجزیه طلبان، ویرانی طلبان، به ویژه برخی

سیاسیون و سلبریتی‌های جاده‌صاف‌کن آنها در داخل، دچار خطای تحلیل و مسامحه شد.

- مهم‌ترین فرصت این حوادث غمبار اخیر شناخت بیشتر از جبهه استکبار و مصاف پایان‌ناپذیر آن با جبهه انقلاب و مقاومت ضدصهیونیستی و ضدامپریالیستی و عوامل آنها در کشور بود؛ دیدیم که استکبار با ماهیت اسلامی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مشکل دارد و دیگر مسائل و موضوعات روبنا و بهانه است.

- این حوادث نشان داد که مردم ما با جدا کردن صف خودشان و انزجار از آشوب‌طلبان هنوز با نظام اسلامی همراهند، اگرچه در انبوه مشکلات قرار دارند و باید برای حل آنها فکر کرد.

- این حوادث به ما درس می‌دهد که نباید اجازه داد جماعت ورشکسته وطن فروش، با گروگان گرفتن نام مردم، مرتکب جنایت و خیانت پیاپی شوند.

- فرصت تعقیب و مجازات جنایتکاران وطن فروش را باید مغتنم شمرد؛ همچنان که در انهدام مقر برخی گروهک‌های تروریست آن سوی مرز انجام شد.

- منافذ و معابر نفوذ را باید بست و در انهدام شبکه داخلی نباید تأخیر به خرج داد. همچنین نباید اجازه داد معیشت و کسب و کار مردم در فضای واقعی و مجازی، گروگان معرکه گیری اشرار و اوباش سیاسی شود.
- باید بی معطلی نسبت به تأمین شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (سالم، امن، قانونمند و شفاف) به جای شبکه عاریتی دشمن اهتمام شود تا جان، مال، معیشت و ناموس مردم در امان بماند.
- مواجهه با سلبریتی‌ها باید حساب شده باشد و حساب خوب و بد آنها را داشت.
- ان شاء الله که بتوانیم از فرصت‌های هفتگانه به احسن وجه استفاده کنیم و از آنها نردبانی بسازیم برای دستیابی به اهداف عالی انقلاب اسلامی. سوگمنده اذعان می‌کنیم که در درس‌آموزی‌ها و عبرت‌گیری‌ها، ضعیف هستیم.

۴- آیا درست است که «چون مردم این روزها با مشکلات اقتصادی زیادی درگیرند و منتقد وضع موجود هستند، با اغتشاشگران همراهی و همکاری کردند؟»

مردم نه تنها با اغتشاشگران همراهی نکردند، بلکه علیه اقدامات خشونت‌طلبانه آنها موضع گرفتند. در این بین، یک تعدادی از سلبریتی‌هایی که واقعاً دنبال منافع خودشان هستند و تعداد بسیاری از آنها پول ملت را خورده و مشهور شده‌اند، همان‌ها که واقعاً علاقه‌ای به مردم نداشتند؛ بیشتر منافع خودشان را می‌دیدند و بیشتر در فکر مهاجرت، دریافت پاسپورت دوم و شهروندی کشور دیگری بودند، آنها موضع‌گیری‌هایی انجام دادند. اما ملت با راهپیمایی‌ها، حضور در صحنه و عدم اقبال به آنها، تودهنی به آنها زد و بار دیگر نشان داد که دشمنان هنوز هم مردم مؤمن و انقلابی ایران را نشناخته‌اند، نمی‌دانند مردم ایران به استقلال و تمامیت ارضی سرزمین‌شان فوق‌العاده حساس هستند و در برابر دشمن بیرونی متحد و ید واحد می‌گردند. از همین روست که باید به داشتن چنین مردمی به تعبیر رهبری معظم انقلاب جبین سپاس بر پیشگاه ربوبی سایید.

انکار نمی‌کنیم که ضعف‌های قابل توجهی در عرصه‌های معیشتی و اجتماعی، عده‌ای را - نه به حمایت آشوبگران - بلکه به عناصر ساکت و بدون موضع، تبدیل کرده است.

۵- چه نقطه مشترکی را می‌توان در سیر اعتراض‌ها و

اغتشاش‌های خیابانی پس از انقلاب اسلامی به ویژه در دوره

زعامت رهبر معظم انقلاب به عیان مشاهده کرد؟

نگاهی به شورش‌ها و اغتشاشات مشهد، شیراز، اراک، قزوین و اسلامشهر و همچنین کوی دانشگاه تهران در دهه هفتاد شمسی، فتنه سال ۱۳۸۸، اغتشاشات دی ۱۳۹۶ و اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ نشان می‌دهند که دو مؤلفه در همه آنها دیده می‌شود؛ یک- مداخله بیرونی با طراحی آمریکایی و پشتیبانی اطلاعاتی و مالی برخی کشورهای مسئله‌دار با انقلاب اسلامی و عملگی منافقین و ضدانقلاب در کف خیابان که اول با اغوا، فریب روانی و رسانه‌ای برخی از مردم را با خود همراه کرده‌اند و در نهایت با شناخت آنها از سوی مردم و جدا شدن مردم از آنها دست به خشونت عریان علیه مقدسات، اموال و جان همین مردم زده‌اند. دو- مدیریت داهیان‌ه رهبری که فتنه و بحران را شناخته و با تبیین صحیح توانسته‌اند ابتدا صف مردم را از اغتشاشگران و فتنه‌گران جدا سازند و سپس به صورت قاطع با اغتشاشگران برخورد نمایند. در واقع، رهبر معظم انقلاب در طول دوره زعامت خودشان

در مواجهه با این بحران‌ها سیاست کم و بیش یکسانی را داشته‌اند و آن، پس زدن «نرمش» در مقابل آشوب‌طلبان بوده است. همچنین رهبری صف مردم را از اغتشاشگران جدا کرده، ضمن اعتقاد به بررسی مشکلات مردم و توجه به حل ریشه‌ای آنها و تأکید بر اینکه باید زمینه‌ها و زخم‌ها را درمان کرد، اما در مقابل آشوبگران به ویژه آنهایی که به تحریک صحنه‌گردانان بیرونی به کف خیابان آمده و خواسته‌اند از درد و زخم‌های مردم و جامعه سوءاستفاده و بر محمل نیازهای مردم موج‌سواری کنند، ایستاده‌اند و دستور برخورد با مزدوران جبهه استکبار و ضدانقلاب را داده‌اند.

فصل دوم:

ماهیت نسلی اغتشاشات اخیر

۶- علت نقش آفرینی نوجوانان در این آشوب را چه می‌دانید؟

دلایل نقش آفرینی نوجوانان در آشوب‌های اخیر را می‌توان به دو دسته ۱- نقش دشمنان و رسانه‌های آنها و ۲- اقتضائات و شرایط نسل جدید تقسیم کرد: دسته اول دلایل غیرطبیعی ریشه در تحریک ضدانقلاب و بیگانگان معارض دارد که مشخص بوده و نیاز به توضیح چندانی ندارد، اما دسته دوم به ویژگی‌های خاص نوجوانان و شرایط زمانه آنها مربوط می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

- حساس بودن مقطع سنی آنها و تحریک پذیری و احساسی بودنشان که اتفاقاً دشمنان نیز با دست گذاشتن بر این حوزه بود که توانستند آنها را وارد خیابان کنند.

- میل بالا به دیده شدن و مؤثر بودن در میان نوجوانان و جوانان. در توضیح باید گفت که جوانان در گذشته بیشتر درگیر مسائل رفاهی بودند، اما بخش زیادی از جوانان، به ویژه جوانان طبقه متوسط و متوسط به بالا، اکنون رفاهیات بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند. به لحاظ روانشناسی، وقتی دغدغه‌های مادی و رفاهی مرتفع می‌شود، نیازهای دیگری در انسان رشد می‌کند، از جمله ابراز وجود و میل به دیده شدن.

- توهم بالای دانایی نزد بخش عمده‌ای از نوجوانان و جوانان امروز با توجه به توسعه دسترسی آنها به شبکه‌های اجتماعی مجازی
- این واقعیت که آنها در یک محیط بمباران شده از نظر شناختی (با توجه به جنگ شناختی دشمن) قرار دارند و در این محیط، آنها هم سواد رسانه‌ای لازم را ندارند و هم متولیان امر چندان به آموزش و تبیین لازم برای آنها توجه نکرده‌اند
- گسست در جامعه‌پذیری سیاسی در کشور؛ بدین معنا که جامعه‌پذیری سیاسی نسل نوجوان و جوان کنونی در عصر رسانه‌ها اتفاق افتاده و از این نظر، با پدراشان تفاوت‌های جدی دارند. نکته مهم در این میان آن است که در خلال این گسست، فرهنگ سیاسی نه تنها به خوبی منتقل نشده است، بلکه فرهنگ سیاسی معارض در میان آنها رشد کرده است.
- تأثیرپذیری بالای این نسل از معلمان و اساتید دانشگاه که با توجه به نارضایتی‌هایی که در میان معلمان (به طور عمده به دلیل مشکلات معیشتی) و اساتید وجود دارد، اساساً ایستارهای مخالف با وضع موجود در میان این نسل بیشتر رشد کرده است.

روانشناسی نوجوانان، باید ما را به سمت رشد و تربیت انسانی و اسلامی نوجوانان هدایت نماید و یکی از زمینه‌های مناسب برای این کار، دوران مدرسه است، به ویژه که ارتباطات اولیاء با معلمان و مربیان می‌تواند یک انسجام و سامانه هماهنگ در تربیت، میان خانه و مدرسه ایجاد کند. لذا، سهم و نقش قصورها و احیاناً تقصیرهای متولیان امور، قابل توجه و ملاحظه است. از این رهگذر، اهمیت نقش آفرینی بسیج دانش‌آموزی و هیئت‌های مذهبی هم روشن می‌شود.

۷- آیا برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مدارس کشور برنامه‌ای

تدارک دیده شده است؟

برنامه منسجم، جامع و مستمری در این زمینه وجود ندارد. تنها در سال‌های گذشته (در حدود یک دهه گذشته) بود که با بالا گرفتن اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و علوم انسانی هم تلاش شد تا برخی سرفصل‌های رشته‌های علوم انسانی تغییر کند و هم برخی اساتید انقلابی جذب دانشگاه‌ها شدند که تا حدودی در تلطیف فضای برخی دانشگاه‌ها مؤثر بود. با این حال، واقعیت غیرقابل انکار آن است که به دلایلی چون گرایش برخی از اساتید به

تفکرات و اندیشه‌های غربی، مرجعیت منابع غیربومی (غربی) در دانشگاه‌ها، آنچه در دانشگاه‌ها بیشتر عمومیت دارد، غلبه غرب‌زدگی و کم‌توجهی و حتی در مواردی، بی‌توجهی به مسائل بومی و انقلابی است. این در حالی است که در کنار ارتقای سطح علمی اساتید انقلابی و حمایت از ورود بیشتر و جدی‌تر نیروهای انقلابی توانمند به دانشگاه‌ها، بایستی تلاش شود تا اسلامی‌سازی و بلکه بومی‌سازی منابع و متون بسیاری از رشته‌ها به صورت جدی پیگیری شود.

۸- چرا تبیین حقایق برای جامعه را جدی نمی‌گیریم؟

این امر دلایل متعددی دارد:

- جدی نگرفتن (باور نداشتن) جنگ شناختی دشمن
- اشتغال یا پرمشغله‌گی نیروهای انقلابی
- عدم درک این واقعیت که امروزه در عصر دیجیتال و رسانه‌ها به سر می‌بریم.
- میدان ندادن به نیروهای جوان و توانمند (تن ندادن به چرخش نخبگان در حوزه تبیین)

- پای کار نیاوردن ظرفیت‌های مردمی در حوزه تبیین. در واقع، تبیین به یک کار رسمی و بوروکراتیک تبدیل شده است. این در حالی است که اقتضای کار در این حوزه آن است که خودجوش و مبتنی بر گزارش کار و... نباشد.
- حاکمیت این تصور نزد برخی مسئولان که روایت آنها از وقایع کشور را همه مردم به راحتی می‌پذیرند
- عدم فعالیت جبهه‌ای در این زمینه.

۹- رویکرد نظام نسبت به دهه نودی‌ها چیست و آیا بحران

هویت فعلی ادامه خواهد یافت؟

رویکرد نظام نسبت به این نوجوانان، قطعاً جذب و تعالی آنها می‌باشد و با توجه به ریشه‌های هویتی و فرهنگی قوی در جامعه ایران، این امر کار چندان دشواری هم نیست. با این حال، لازمه این امر، دقت در چند نکته است:

- این نسل چندان به امر و نهی توجه ندارد، بلکه می‌خواهد زندگی خود را آنگونه که مایل است، بسازد. در این شرایط، دستگاه فکری نظام باید

قادر باشد تا به جای ایجاد ممانعت در مسیر تحقق خواسته‌های این نسل، «گزینه‌های جایگزین مناسب» برای آنها ارائه دهد. به عنوان مثال، وقتی عده‌ای از دختران این نسل می‌خواهند برای تماشای فوتبال وارد ورزشگاه شوند، نمی‌توان ابتدا به ساکن با گارد بسته و سلبی با آنها مواجه شد، بلکه باید گفت که حضور در ورزشگاه برای تماشای مسابقات ورزشی زنان بلامانع است و برای مشاهده مسابقات ورزشی مردان نیز باید تمهیداتی اندیشیده شود و شرایطی رعایت شود که در آن صورت این مطالبه دختران نسل جوان، بدون هرگونه مسئله‌ای تأمین شود.

- دقت در تقویت قدرت اقناع‌سازی. واقعیت آن است که بعضی از مطالباتی که از سوی برخی جوانان مطرح می‌شود، خارج از قواعد است. در این صورت، با اتکا به تبیین درست و منطقی باید به اقناع آنها پرداخت.

- دقت در رعایت شأن و کرامت این نسل در هرگونه مواجهه با آنها

- تقویت امید آنها نسبت به آینده با حل سریع‌تر مشکلات اقتصادی

- مبارزه با فساد و شکاف طبقاتی به منظور رفع بسیاری از گره‌های کور

ذهنی این نسل

- دقت در تقویت شایسته‌سالاری و جوان‌گرایی در اداره کشور تا نسل

جوان به این امید برسد که با تلاش، آنها نیز می‌توانند نقشی در اداره

کشور داشته باشند.

- بازنگری در مراجع آموزشی و پرورشی این نسل و روزآمدسازی آنه

- رسیدگی به مشکلات معیشتی معلمان با توجه به تأثیرپذیری بالای این

نسل از معلمان

- دقت در تقویت پاسخگویی مسئولان و دستگاه‌های مختلف در قبال

عملکرد خود تا از تأثیرپذیری این نسل از تبلیغات دشمنان جلوگیری

شود.

۱۰- چرا باید یک جوان دهه هشتادی امیدی به آینده از نظر

شغل، مسکن و نیازهای اولیه نداشته باشد؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

- واقعیت آن است که دسترسی به این امکانات در مقایسه با گذشته بسیار دشوار است، اما باید توجه هم داشت که در گذشته، عموم مردم هیچگاه همه این امکانات را یکجا و در یک زمان تهیه نمی کردند. حتی بسیاری از وسایل که امروز جزو حداقل ضروریات تلقی می شوند از قبیل یخچال، تلویزیون، فرش، خودرو و... در گذشته به صورت تدریجی و مرحله ای و در طول چندین سال تهیه می شد. با این حال، منظور آن نیست که جوانان امروز هم باید مانند جوانان ۵۰ سال پیش زندگی کنند، اما این واقعیت را هم نمی توان نادیده گرفت که تهیه یکباره این همه وسایل، واقعاً دشوار است. بنابراین، اصل تدرج را باید در نظر داشت.

- اگرچه سطح نیازهای موجود در کشور رشد کرده، اما در این شرایط، سطح درآمدها برای بخش های زیادی از مردم هم رشد کرده است. با این حال، در تلاش برای تأمین نیازها بایستی به اهم و مهم توجه داشت. در واقع، با حذف تجملات و غیر ضروریات، می توان از بار مشکلات و فشارهای اقتصادی کاست.

- اگرچه تورم بالا وجود دارد، اما در نقطه مقابل، ارزش‌هایی چون سختکوشی، قناعت، عدم اسراف و عدم تجمل‌گرایی نیز در میان مردم کمرنگ شده است.

- به این واقعیت هم باید توجه داشت که بالاخره تحریم‌ها و فشارهای خارجی در رقم خوردن این شرایط هم تأثیرگذار بوده است؛ یعنی بخشی از این شرایط خارج از کنترل مسئولان می‌باشد.

۱۱- نقش بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین در ورود سریع

اعتراضات به خشونت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تحلیل محتوای بازی‌های رایانه‌ای در طول دهه‌های اخیر، حاکی از تأثیر قابل توجه آنها در باورها، ارزش‌ها و رفتارهای امروزی نسل ماست. ماهواره‌ها و فضای مجازی و حتی برخی برنامه‌های صدا و سیما نقش مهمی در روحیه نوجوانان نسل امروز داشته است. بر اساس مستندات موجود، بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین در برخی از جوانان که در حوادث اخیر دست به اغتشاش زدند تأثیرگذار بوده است، زیرا در خلال این بازی‌ها از یک سو هم نوعی ذهنیت آرمانی برای مخاطبان ساخته می‌شود که طی آن، درگیری

و ارتکاب به خشونت به عنوان یک امر عادی و البته مطلوب تلقی می‌شود و از سوی دیگر، در خلال این بازی‌ها، برخی تکنیک‌ها و شیوه‌های درگیری به طور مستقیم و غیرمستقیم آموزش داده می‌شود. در جریان حمله برخی نوجوانان به خودروهای پلیس و انجام برخی حرکت‌های خاص توسط آنها می‌توان الگوگیری آنها از این بازی‌های رایانه‌ای را به وضوح دید.

فصل سوم:

اعتراضات اجتماعی؛ زمینه‌ها و راهکارها

۱۲- چرا تاکنون سازوکار مشخصی برای اعتراضات قانونی

وجود نداشته و اقداماتی برای استفاده از ظرفیت اصل ۲۷

قانون اساسی پیش‌بینی نمی‌شود؟

اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جزو اصولی از قانون اساسی به حساب می‌آید که در دوره تصویب اصول قانون اساسی توسط مجلس خبرگان بیشترین بحث‌ها و اختلافات را به خود اختصاص داده است. شدت اختلافات بین اعضای خبرگان درباره این اصل به حدی بود که در نهایت این اصل در جلسه ۶۵ بررسی اصول قانون اساسی یعنی دو جلسه مانده به آخر تصویب شد. بررسی بخش‌هایی از مذاکرات مربوط به اصول قانون اساسی گویای آن است که اختلاف نظرها درباره چگونگی گنجاندن این اصل در متن قانون اساسی بسیار جدی و با فاصله زیاد از نظر فکری بوده است. در بین اعضای خبرگان قانون اساسی، دو دسته افراد در این باره دیدگاه خودشان را ارائه کرده‌اند. دسته اول بر این اعتقاد هستند که متأثر از فضای پدیدآمده ناشی از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به موضوع آزادی تجمعات و اعتراضات نگاه حداکثری دارند و معتقدند که هیچ قید و شرطی را نباید برای آزادی تجمعات گذاشت. دسته دوم اعضای خبرگان قانون اساسی نگاه دولت محور دارند و بر این عقیده اصرار می‌ورزند که درست نیست دولت را در عرصه مدیریت و اداره جامعه و حفظ نظم عمومی دچار محدودیت کنیم و در نهایت این گروه قیود

متعددی را در جهت ایجاد محدودیت بر این اصل مطرح می نمایند. به هر ترتیب پس از بحث های مفصل و طولانی و در آخرین جلسات بررسی پیش نویس قانون اساسی این دو رویکرد در قالب اصل ۲۷ قانون اساسی تجمیع شد و به این شکل در قانون اساسی قرار داده شد. «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» یک نگاه که موافق با آزادی کامل تجمعات و اعتراضات است و نگاه دیگر مقید به محدود کردن اعتراضات را دنبال می کرد. هر چند در بین برخی از اعضای خبرگان این تفکر نیز وجود داشته که به طور کلی این اصل بایستی از قانون اساسی حذف شود.

نکته مهم در این باره آن است که یکی از دلایل اجرا نشدن کامل این اصل قانون اساسی در دوره های بعدی نظام جمهوری اسلامی را بایستی ناشی از رهیافت های مختلفی دانست که در زمان تصویب این اصل قانون اساسی بین اعضای خبرگان پدید آمده بود. در حقیقت باید اینگونه موضوع را تکمیل کرد که هر چند با تجمیع دو نگاه مسئله نحوه گنجاندن اصل ۲۷ در قانون اساسی فیصله پیدا کرد، اما اختلاف نظر بین دو دیدگاه که بعضاً نسبت

به هم فاصله زیادی نیز داشتند، همچنان باقی ماند و اثر وضعی این اختلاف- نظر در حوزه اجرای این اصل به طور کامل خود را نشان داده است.

این واقعیت غیر قابل انکار است که مضاف بر اختلافات گذشته که بر سر اصل تصویب اصل ۲۷ قانون اساسی پدید آمد و کار اجرای این اصل را دشوار ساخت، به دلیل دشمنی سرسختانه و تهاجم فرهنگی و عملیات روانی بسیار سنگین نظام سلطه با کشور ما فضای سیاسی-امنیتی حاکم بر جامعه ایرانی کاملاً متفاوت با کشورهایمانند کشورهای اروپایی است که هیچ دشمنی ندارند. شاید پتانسیل تجمع اعتراضی چندصد هزار نفره در کشورهای اروپایی برای تبدیل شدن به اغتشاش بسیار نازل تر از پتانسیل تبدیل شدن یک تجمع صد نفری به اغتشاش در ایران است. دلیل آن هم مشخص است، در فضای عمومی ایران چندین سرویس جاسوسی و اطلاعاتی برای سوءاستفاده از این تجمعات هست که در کشورهای غربی اساساً چنین مسائلی موضوعیت ندارد. جنگ روانی که بر روی ملت ایران انجام می‌شود، بر روی هیچ ملتی انجام نمی‌شود و این باعث می‌شود اعصاب و روان ملت ایران مملو از تشویش‌ها، اضطراب‌ها و نگرانی‌های متراکم و ناامیدکننده شود. از این رو کوچک‌ترین تجمعی در ایران از سوی

دشمنان تبدیل به اغتشاش می شود؛ هر جا اعتراض بحقی هم صورت بگیرد سریعاً توسط برخی عوامل مزدور و فریب خورده به انحراف کشیده می شود و سریعاً اعتراض به اغتشاش مبدل می گردد. لذا مسئولان کشور به راحتی نمی توانند برای هر تجمعی مجوز صادر کنند، چون شرایط ایران اسلامی در جهان کاملاً شرایط متفاوتی است. اگر شرایط سیاسی-امنیتی ایران را هر یک از کشورهای غربی داشتند، حتی اجازه تجمع ۱۰ نفره هم نمی دادند چنانکه در شرایط بحرانی به هیچ عنوان مجوز نمی دهند. در هر حال ریشه عدم اجرا و استفاده از ظرفیت نهفته در اصل ۲۷ قانون اساسی را بایستی در اختلاف نظر تاریخی بین اعضای خبرگان و امتداد آن اختلاف در سال های بعدی و نگرانی های ناشی از تحرکات و طراحی های خشونت آمیز دشمنان جست و جو کرد.

در پایان بایستی به نقش دولت ها در عدم اجرای اصل ۲۷ نیز اشاره کرد. دولت های گوناگون در کشور که خود برآمده از تفکرات گوناگون سیاسی کشور بوده اند، مادامیکه در قدرت نیستند اجرای این اصل را مطالبه می کنند. اما زمانی که قوه اجرایی در اختیار آنها قرار دارد با محاسبه اینکه تحقق این امر زمینه نقد و اعتراض به آنها و جریان سیاسی متبوع آنها را

فراهم می‌کند، لذا فراهم ساختن تمهیدات اجرای این اصل قانون اساسی را پیگیری نمی‌کنند. اگر هم در مواردی در زمان استقرار دولت همفکرشان بحث آزادی تجمعات و یافتن سازوکارهای اجرایی آن را مطرح می‌کنند، بیشتر به ژست سیاسی دموکراتیک شباهت دارد تا اینکه به صورت واقعی دیدگاه خود را ابراز کرده باشند. شاهد مثال اینکه در کشور حتی دولت‌های با گرایش اصلاح طلبی درباره اجرای اصل ۲۷ قدمی برنداشته‌اند. در هر حال امید آن است که موضوع فراهم ساختن اجرای اصل ۲۷ که اخیراً از سوی آقای رئیسی عنوان شده است، با بررسی همه‌جانبه و در نظر گرفتن همه ابعاد کار در عمل به یک نقطه مطلوبی برسد و دولت سیزدهم برای نخستین بار در این زمینه قدم اولیه را بردارد و دولت انقلابی پیشگام حرکت جدی و اصولی درباره عملیاتی‌سازی این امر مهم و ضروری باشد. در پایان لازم است این نکته را نیز مد نظر قرار داد که سامان دادن به وضعیت احزاب، تشکل‌های صنفی و برخی گروه‌های واسط، نقش کلیدی و تعیین‌کننده در حرکت به سمت تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی دارد.

۱۳- الزامات تحقق ایده رئیس‌جمهور مبنی بر اجرای

اعتراضات چه می‌تواند باشد؟

برای آنکه این سخن ریاست محترم جمهوری توفیق اجرایی شدن داشته باشد، ضرورت دارد تا چند نکته به عنوان زیرساخت‌های این موضوع مورد توجه واقع شود:

(۱) ابتدای امر اصل اینکه اساساً چه چیزی و چه مواردی قابلیت اعتراض دارد باید به همگان آموزش داده شود و برای این مهم وظیفه سنگینی بر روی دوش نهاد آموزش و پرورش است.

(۲) رابطه بین مردم و دستگاه حاکمیتی باید برای مردم تبیین گردد. درست همانند کتاب مهارت‌های زندگی که در آن رابطه فرد با افراد تنظیم می‌شود، رابطه هر ایرانی با نهادهای حاکمیتی باید تنظیم و آموزش داده شود و در این مهم نیز نقش نهادهای فرهنگی پررنگ می‌باشد.

(۳) بلوغ اجتماعی جامعه به حدی رسیده باشد که اعتراضات مردم واقعی باشد و نه صرفاً به دلیل موضع‌گیری نابخردانه فلان سلبریتی یا فلان شبکه خارجی و این مهم زمانی محقق می‌شود که برای مردم دوست و دشمن تبیین گردد و در این پازل جریانات را مورد کنکاش قرار دهد.

۴) نیاز است تا سازمان بازرسی کشوری ورود جدی به بحث پایش و آمایش میزان مشکلات و ناکارآمدی بخش‌ها و قسمت‌های مختلف حکومت بکند. پس از اینکه دولت به صورت فردی به خودارزیابی پرداخت و مشکلات و قصورات خود را دانست، می‌تواند به حرف و ایده مردم و نخبگان نیز گوش بدهد که کدام یک فرایند اجرایی و عملیاتی دارد و کدام یک ندارد.

۵) هدف از اعتراضات مشخص و عقلانی باشد. در صورتی که هدف اصلاح رویه‌ها و افزایش بهره‌وری‌ها باشد می‌توان به تحقق ایده اعتراضات کنترل‌شده امیدوار بود اما اگر هدف تغییر نظام و براندازی باشد طبیعی است که این سیستم هیچگاه قابلیت اجرا نخواهد داشت.

۶) کانالیزه کردن و جهت دادن هر مشکل و اعتراضی به نهاد متولی به این شکل که در صورتی که اعتراضات فرهنگی است نیازی نیست تا قوه قهریه نظام و نیروهای مسلح وارد شوند یا وقتی بحث امنیتی است اعتراضات به نهادهای فرهنگی و اقتصادی طبیعتاً جوابگو نخواهد بود.

۷) تفکیک اعتراضات از اغتشاشات و اینکه مرز مشخصی بین کسانی که قصدشان صرفاً سیاه‌نمایی و القای یأس و ناامیدی است و افرادی که واقعاً خیرخواه هستند و به دنبال یافتن راه‌حلهایی برای مشکلات هستند، کشید.

۱۴- با توجه به وقوع اغتشاشات اخیر که پیرو فوت مهسا امینی

اتفاق افتاد، در میان بسیاری از کارشناسان و مردم صحبت

از این می‌شود که باید به فکر ایجاد بستری برای بیان

اعتراضات مردم بود. در این خصوص این سؤال مطرح می-

شود که اساساً آیا با ایجاد یک بستر و طراحی سازوکاری

برای برقراری اعتراض، مشکل معترضان رفع می‌شود؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال در ابتدا باید به این نکته توجه کرد که پروسه اعتراض چند گام دارد:

گام اول فرایندی است که به ایجاد فکر اعتراض در ذهن اعتراض‌کننده می‌انجامد، به بیانی ساده‌تر چرا یک نفر یا یک جمعیت به این نتیجه می‌رسند که باید در یک موضوع یا چند موضوع دست به اعتراض بزنند؟ گام دوم اینکه آنها تصمیم می‌گیرند این اعتراض را در چه قالب و به چه شکلی

بیان کنند که شنیده شود و گام سوم، ارزیابی نتیجه حاصل از این اعتراض است.

بر این اساس خاستگاه اعتراضات همان گام اول است؛ یعنی اگر مسئله‌ای برای اعتراض نباشد، طبیعتاً مراحل بعد هم به وجود نخواهد آمد. این بدین معنی است که هر اندازه نظام‌های سیاسی برنامه‌ای روتین و منظم داشته باشند و بتوانند درخواست‌ها و دغدغه‌های مردم را شناسایی کنند و بدان پاسخ دهند، اعتراض‌ها کمتر خواهد بود و عکس این هم صادق است. وقتی سیستم دچار اشکال و خطا در کارکرد باشد و نتواند مسائل را قبل‌تر شناسایی و برای حل آن اقدام کند، با انبوه اعتراضات مواجه خواهد شد. بنابراین بهترین راهکار، شناسایی و درمان مسائل قبل از وقوع اعتراض است.

۱۵- آیا چنین نظام سیاسی‌ای وجود دارد که بتواند همه

درخواست‌ها را ببیند و بشنود و آنها را قبل از اعتراض حل

کند؟

واقعیت این است که تاکنون هیچ نظام سیاسی‌ای نتوانسته همه درخواست‌ها و نیازمندی‌های جامعه خود را شناسایی کند و مرتفع سازد. برای همین هم

هست که در همه جای دنیا کم و بیش اعتراض دیده می‌شود اما نحوه اعتراض متفاوت است.

تفاوت به این دلیل است که در برخی نظام‌ها با کوچک‌ترین اعتراض، سیستم پیام معترضان را دریافت می‌کند و به واقع حسگرهای سیستم فعال و حساس است. تا در خیابان یا در رسانه کوچک‌ترین نشانه‌ای از اعتراض یا نقد را می‌بیند، سریعاً آن را بررسی می‌کند و با جدیت درصدد رفع آن برمی‌آید اما در برخی جاها نظام سیاسی نمی‌تواند از پیش معضلات را شناسایی یا حل و فصل کند یا اینکه برخی طراحی‌های خارجی و خارج از کنترل سیستم باعث بروز اعتراض و اغتشاش می‌شود.

۱۶ - اعتراضات و اغتشاشات در کشور چگونه و در چه دسته-

بندی‌هایی قابل تحلیل است؟

پیش از هر عملی باید جمعیتی را که به خیابان آمده تجزیه و تحلیل کرد. ما با هرم جمعیتی مواجه هستیم که در رأس آن معاندین با کمترین جمعیت و بیشترین خشونت حضور دارند. طبیعتاً برخورد با اینها از جنس برخورد سخت خواهد بود. گروه بعدی کسانی هستند که خواهان استقرار عدالتند.

اینها گروهی هستند که به زعم خودشان از نابرابری‌های اجتماعی رنج می‌برند و تشنه اجرای عدالتند.

گروه بعدی کسانی هستند که می‌توان آنها را نوگرایان نامید. اینها گروهی از جوانان و نوجوانان هستند که هنجارها و قواعد رسمی حاکمیت را نمی‌پذیرند. اینها پای از سنت بریده اما دستشان هم به مدرنیسم و پست‌مدرنیسم نرسیده است و به نوعی دچار ابهام و پرسش‌های حل نشده و گره‌های ذهنی هستند. به قول خودشان فقط می‌خواهند زندگی کنند و شعار «زن، زندگی، آزادی» را مرتب سر می‌دهند. این افراد و طیف اجتماعی در عصر فضای مجازی و دوران کرونا رشد یافتند. به همین علت، به شدت احساسی و مجازی هستند. اینها نیازمند ارتباط‌گیری، گفت‌وگو، توضیح و کار فرهنگی هستند.

و دسته آخر که بیشترین جمعیت را شامل می‌شود، اقتصادزدگان به معنی طبقات ضعیفی که تحت فشار اقتصادی بوده و طبقات متوسطی که در حال سقوط به مراحل پایین‌تر هستند. اینها در شرایط فعلی چیزی جز بهبود شرایط اقتصادی نمی‌خواهند، برای اینها آتش‌بیار معرکه چیزی جز گرانی نیست و تنها راه آرام کردنشان بهبود شرایط اقتصادی است.

بنابراین ما برای مدیریت اعتراضات نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات حساب-
شده امنیتی، قضایی، فرهنگی و اقتصادی هستیم که هر کدام در صورت
موفقیت می‌تواند به بهبود شرایط بینجامد؛ چیزی که جمهوری اسلامی
ظرفیت آن را دارد.

۱۷- چرا معمولاً خواسته‌های طبیعی برخی مردم در کشور

تبدیل به اغتشاش می‌شود و چه عوامل و متغیرهایی در این

زمینه نقش مخرب ایفا می‌کنند؟

اساساً وقتی که شکاف‌های اجتماعی در ابعاد وسیعی خود را نشان دهد،
باید منتظر وقوع دوگانگی‌های ارزشی در جامعه باشیم. جدایی نسل‌ها،
اختلاف دیدگاه‌ها، تفاوت نیازها و در نهایت اختلاف در اهداف همگی
سبب می‌شود که افراد جامعه از همدیگر دور شوند. از هم گسیختگی
اجتماعی که مخالف اتحاد و همدلی عمومی می‌باشد، موجب می‌شود تا
اعتراضات مردمی دچار انحراف و رادیکالیسم گردد و بنابراین احساسات
و هیجانات عمومی مردم و گروه‌های اجتماعی در نهایت موجب بروز
اغتشاش و خشونت اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر نهادهای تنظیم‌گر روابط دستگاه حاکمیتی و مردم چنانچه تضعیف گردد، در این صورت شاهد بیگانگی اجتماعی مردم و مسئولان خواهیم بود. این بیگانگی اجتماعی، تغییرات اجتماعی را سبب خواهد شد و بنابراین تغییرات اجتماعی در ابعاد وسیع‌تر منجر به اختلاف‌نظر و زاویه دید افراد شده و هر کدام از این افراد به دنبال اثبات حقانیت خود و قبولاندن سبک زندگی، عقیده و اعتقاد خود خواهند بود. برای اینکه این اتفاق بیفتد مجبور هستند تا از هر روشی برای اثبات خود کمک بگیرند و به همین دلیل ممکن است که روند اعتراضات تبدیل به خشونت و آشوب عمومی گردد. نهادهای تنظیم‌گر روابط در این حالت نقش ضربه‌گیر و تخفیف‌دهنده روند اعتراضات و خشونت را دارند. این نهادهای تنظیم‌گر می‌تواند اعم از احزاب سیاسی، ان‌جی‌اوها، سندیکاها، انجمن‌ها و... باشد.

یکی از ریشه‌های اساسی این بحث، ویژگی احساساتی بودن ایرانی‌هاست. هیجانی شدن و رفتارهای خارج از عرف و هنجار در این مسائل به فراخور دیده می‌شود. در این حوادث ابتدای امر موضوع و مطالبه واضح و شفاف است اما بعد از گذشت لحظاتی مسیر آن عوض می‌شود؛ چراکه

احساسات و هیجانات افراد بر قوه عاقله آنها مسلط می‌شود و طبیعتاً با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شویم.

۱۸- راهکارهای طبیعی برای پیشگیری از اعتراضات و

جلوگیری از ایجاد اغتشاش چه چیزهایی است و تجربه

کشورهای دنیا در این باره چیست؟

نکته اول این است که در هر صورتی به دلیل اینکه منابع محدود و اولویت-بندی‌ها سلیقه‌ای است، بنابراین اعتراض و تعارض منافع قطعاً وجود خواهد داشت و باید سعی شود که درصد وقوع و همچنین کیفیت آن را مدیریت و کنترل کرد. یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای پیشگیری از وقوع این اعتراضات، نزدیک کردن مردم و مسئولین به یکدیگر و داشتن فهم مشترک از رویدادها و رخدادها می‌باشد. اساساً اگر جامعه مخاطب و نهاد حکومتی اندیشه مشترک و هدف واحدی داشته باشند، در این صورت مسیرهای مختلف و روش‌های مختلف تعارض جدی ایجاد نخواهد کرد اما اگر اهداف متفاوت باشد، سیاست‌گذاری‌ها و اندیشه‌ها متعارض می‌شود و تولید خشم، نفرت و اعتراض می‌کند.

دومین راهکار این است که احزاب، انجمن‌ها و سندیکا‌های مردم‌نهاد به عنوان مطالبه‌گر وارد صحنه شوند و صحبت‌ها و اعتراضات مردمی را به صورت طرح، لایحه و شکل‌های حقوقی در اختیار دولتمردان قرار دهند. در این حالت احزاب به عنوان بازیگران سیاسی هیچگاه خواهان براندازی و از بین بردن نظام سیاسی حاکم نخواهند بود؛ چراکه در این نظام در حال کنشگری هستند و بنابراین سعی می‌کنند تا با اصلاح رویه‌ها و کارآمدسازی آنها در نهایت از قدرت حاکمیتی بهتری برخوردار شوند.

سومین راهکار این است که چهره واقعی دشمنان و بیگانگان برای مردم تبیین گردد. در این صورت صف اغتشاشگران از صف معترضان جدا خواهد شد. واقعیت این است که هرگاه مردم ایران خواهان اعتراض مسالمت‌آمیزی بودند، این حرکت با دخالت عناصر بیگانه و خارجی‌ها تبدیل به براندازی و تهدید وجودی حاکمیت شده و طبیعتاً منجر به تولید خشونت و اغتشاشات خواهد شد.

تجربه کشورهای دیگر نیز نشان‌دهنده این است که وقوع اعتراضات غیر قابل پیشگیری صددرصدی می‌باشد و به نحوی امکان دارد که این اتفاق

بیفتد، اما کشورهای دیگر مثل ایالات متحده آمریکا با تقویت احزاب و انجی اوها و گفتمان سازی و گفت و گو پیرامون موضوعات چالش برانگیز سعی در ارائه نظر اکثریت و اجماع نظر دارند. یا مثلاً در فرانسه سندیکاهای مردمی تلاش می کنند تا صدای اعتراض و فریاد مردم عادی باشند و مطالبه حقوق آنها از حکومت را بر عهده دارند.

۱۹- آیا نظام و سیستم امنیتی در قضیه اغتشاشات اخیر پیش-

بینی از وقوع آن را داشت یا دچار غافلگیری شد؟

نظام و سیستم امنیتی همواره سطحی از هشدار و ناامنی را برای خود متصور است، چون دشمن مدت هاست راهبرد خود علیه جمهوری اسلامی ایران را در سرعت بخشیدن به وقوع اغتشاشات خیابانی متمرکز کرده است. عناصر سیاسی و امنیتی همواره در این باره پیش بینی هایی را از وقوع اعتراض یا تبدیل شدن آن به اغتشاش داشته و دارند. اما در قضیه کنونی به نظر می رسد که بر سر زمان و پیشران یک حرکت اعتراضی که تبدیل به اغتشاش شود، دیدگاه قطعی وجود نداشت که این عدم قطعیت امر طبیعی به حساب می آید. مهم اما این است که بخش اطلاعاتی در شکل کلان کار دچار

غافلگیری نشد. این را نیز باید اضافه کرد که پیوند سیاسی سلبریتی‌ها با بخش‌هایی از جوانان به گونه‌ای نبود که دستگاه‌های حاکمیتی تصور کنند که ممکن است چالش برانگیز باشد، بنابراین اساساً غافلگیری به دلیل وقوع اعتراضات نبود بلکه غافلگیری در سطح کیفیت و زمان این اعتراضات بود. شاید هیچگاه تصور نمی‌رفت که به خاطر بحث فوت یک خانم این همه خسارت جانی و مالی به کشور وارد گردد.

۲۰- ریشه شعار «زن، زندگی، آزادی» را توضیح دهید.

این شعار نخستین بار توسط زنان کُرد عضو گروهک تروریستی موسوم به پ.ک.ک به سرکردگی عبدالله اوجالان در کردستان ترکیه استفاده شد. پ.ک.ک متأثر از ایدئولوژی مارکسیسم، فاقد نگاه مثبت و ارزشی به نهاد خانواده است و به همین دلیل آن را عامل عقب‌ماندگی زنان می‌داند. اوجالان در تعریف خود از آزادی زن در سال ۱۹۹۸ می‌گوید: «تازن آزاد نشود، جامعه آزاد نمی‌شود.» بر همین اساس ازدواج در گروهک پ.ک.ک ممنوع است، زیرا از نظر آنها ازدواج برای زن محدودیت محسوب می‌شود. این نوع نگاه ابزاری به زن نه تنها در گروهک پ.ک.ک بلکه در سایر گروه‌های ضدانقلاب نظیر کومله، دموکرات و منافقین نیز

دیده می‌شود. سؤال اینجاست که این مدعیان دروغین زندگی و آزادی برای زن، چرا در زمان حمله داعش به مناطق گردنشین شنگال و زمار در شمال غرب عراق در سال ۲۰۱۴ که منجر به کشتار، تجاوز جنسی، خرید و فروش و به بردگی کشاندن هزاران زن و دختر گرد ایزدی شد، سکوت کردند و در مقابل جنایتکاران داعشی اقدامی انجام ندادند.

در همین آشوب‌های اخیر عده‌ای در داخل با حمایت اربابان آمریکایی و صهیونیستی خود که شدیدترین خشونت‌ها را علیه زنان در کارنامه دارند، تلاش کردند با شعار به ظاهر فریبنده «زن، زندگی، آزادی» و به میدان آوردن زنان و دختران و تهییج احساسات جوانان، فضای کشور را به سمت ناامنی و اغتشاش سوق دهند. شاهد بودیم که چگونه این مدعیان دروغین زندگی و آزادی برای زنان در واقعیت صحنه، چادر از سر زن محجبه کشیدند و به نوامیس مردم تعرض نمودند و موجب کشته و مجروح شدن تعدادی از زنان و دختران هموطن شدند. به نظر می‌رسد بازخوانی جنایات گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب از جمله حزب دموکرات، کومله و گروهک نفاق با آن سوابق ننگین در به خاک و خون کشیدن بیش از ۲۰۰

زن مسلمان ایرانی و ۷۱ زن شهیده مظلوم گُرد از جمله شهیده ناهید فاتحی -
کرجو معروف به سمیه کردستان و شهیده فاطمه اسدی برای عبرت آموزی
نسل حاضر که سابقه ذهنی مشخصی از آن ایام ندارند، لازم و ضروری
است.

فصل چهارم:

نقش فضای مجازی در اغتشاشات اخیر

۲۱- در خصوص نقش فیک‌نیوزها در شعله‌ور ساختن

اغتشاشات اخیر توضیح دهید.

کلمه فیک‌نیوز^۱ از واژه‌های جدید اما پرکاربرد در جهان امروز است و معنی «خبرهای جعلی» می‌دهد که به خاطر گسترش شبکه‌های اجتماعی^۲ از سال ۲۰۱۷ کاربرد فوق‌العاده‌ای داشته است. فیک‌نیوز سه ویژگی دارد:

- ۱- از جنس اطلاعات نادرست است. ۲- شکل ظاهری آن شبیه خبرهای [درست و واقعی] است. ۳- کسی تولید آن را بر عهده نمی‌گیرد. در اصطلاح علم ارتباطات گفته می‌شود: «تا حقیقت پاشنه کفش خود را بکشد، دروغ به مقصد رسیده است.» اشاره به این نکته است که خبرهای ساختگی چون با القائات مصنوعی و ذائقه‌های گیرندگان هماهنگ است، بسیار با سرعت گسترش داده می‌شود و باورپذیری بالایی دارد. همین

¹ Fake News

² Social network

موضوع باعث می‌شود که فیک‌نیوزها ۷۰ درصد بیشتر از اخبار واقعی نشر پیدا کنند و هر خبر واقعی در حدود ۶ برابر دیرتر از فیک‌نیوزها به دست ۱۵۰۰ نفر می‌رسد. این نتیجه تحقیقی است که در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست روی ۱۲۶ هزار فیک‌نیوز انجام شده است. این نشان‌دهنده سرعت نشر و ایرال‌نیوزهاست. از طرف دیگر تحقیقات نشان داده است که جذاب‌ترین فیک‌نیوزها خبرهای سیاسی هستند و در صدر اخبار جعلی جذاب کاربران قرار می‌گیرند. در انتشار، گسترش و باورپذیر کردن اخبار فیک چهار عامل نقش مهمی دارند: ۱- تولیدکننده خبر فیک، ۲- رساننده خبر فیک، ۳- ربات‌هایی که آن را لایک، ویرال و... می‌کنند و ۴- انسانی که تسلیم آن می‌شود و آن را باور می‌کند. در حوادث فوت مهسا امینی از اولین روز حادثه اخبار جعلی متعددی تولید شد. انتشار دروغ‌ها و شایعات زیربخش‌های کوچکی از این ماجرا هستند: کشته شدن مهسا امینی توسط گشت ارشاد، سخنان پزشک بیمارستان، کبودی بدن و ضربه اجسام سخت، سخنان یک فرمانده ارشد سابق سپاه، انتشار کلیپ هدیه گل پرستاران به بانوی فوت شده بعد از اهدای عضو با آهنگ غمبار در سوگ مهسا امینی، رقص پیرمرد گردی با تابوت دخترش، سخنان ستوان یکم حسن شیرازی،

نامه قوه قضاییه که بر اساس این نامه سر مهسا امینی هنگام بازداشت به جدول خورده است و هزاران فیک نیوز دیگر که در آینده بدون هیچ سند و مدرکی منتشر می شود.

۲۲- چرا آمریکا به رنم اینکه از نظر تسلیحات نظامی قدرتمند به حساب می آید، اما به جای استفاده از این سلاح از کارزار اینترنتی و شبکه های اجتماعی که زمانبر است، استفاده می کند؟

آمریکا در ۴۳ سال گذشته از روش هایی مانند حمایت از کودتاچیان، حمله نظامی مستقیم و حمله نظامی از طرف کشورهای همسایه، جنگ های اطلاعاتی، سایبری و حمایت از تروریست ها علیه ایران استفاده کرده است اما همواره ایران پیروز این نبردها بوده است. یکی از رویکردهای جدید آمریکا برای براندازی جنگ نرم است؛ ابزار جنگ نرم هم ارزان تر هستند و هم تأثیرات بلندمدت تری دارند. در سال های اخیر جنگ لایک^۳ مورد توجه سیاستمداران واشنگتن قرار گرفته است و حتی کتابی با عنوان «جنگ

لایک با تسلیحات شبکه‌های اجتماعی^۴ توسط «پی. دبلیو سینگر»^۵ و «امرسون تی بروکینگ»^۶ نوشته شده و بهترین کتاب سال ۲۰۱۸ آمازون شناخته شد. این کتاب به طور علنی اذعان کرده و نوشته است که شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیس بوک و... تبدیل به جنگ افزار شده‌اند و همان کار تسلیحاتی را انجام می‌دهند. در قسمتی از کتاب نسبت به مفهوم جدید جنگ اینگونه آمده است: «وقتی شما آنلاین هستید، در زمین نبرد هستید و در حالی در مناقشات و نبردها حضور دارید که نمی‌توانید درک کنید که در محاصره قرار گرفته‌اید یا خیر.» این کتاب با معرفی صفحات پر بازدید که از طریق لایک و ربات به اربابان دنیا تغییر عنوان داده‌اند، می‌نویسد: «بر نت مسلط شوید، بر روزگار مسلط خواهید شد، جنگ لایک پژواک این است که چگونه جنگ و سیاست با هم درمی‌آمیزند، اگر جنگ سایبری، هک شبکه‌ها بود، جنگ لایک، هک افراد و انسان‌ها در این شبکه‌ها می‌باشد.» ریچارد استین، کارشناس امنیت سایبر در یادداشتی با عنوان «اینترنت نادان‌ها، چگونه ما باید همه در جنگ لایک شرکت کنیم؟» می‌گوید:

4. LikeWar The Weaponization of Social Media

5. P.W. Singer

6. Emerson T. Brooking

همانطور که در یک روستا شاید تعدادی آدم نادان وجود داشته باشد، فضای مجازی از طریق شبکه‌های اجتماعی این آدم‌های نادان را در کنار یکدیگر جمع می‌کند. حقیقت آن است که آمریکا با تسلط بر تسلیحات شبکه‌های اجتماعی برای کشورهایی که فاقد پلتفرم‌ها و شبکه ملی اطلاع-رسانی و اکثر مردمان آن فاقد سواد رسانه‌ای هستند، به دستاوردهایی رسیده است که هرگز با تسلیحات نظامی توان اجرایی کردن آن را نداشت. جنگ لایک عملاً خود را در اغتشاش‌های شهریورماه ۱۴۰۱ نشان داد. تحلیل محتوای فعالیت اکانت‌های بدون هویت دارای رگه‌های سلطنت‌طلبی، منافقین و اعمال نفوذ دولت آمریکا در هشتگ مهسا امینی و حجاب بی-حجاب نشان از آن دارد که امپراتوری سایبر در صدد بوده است با اخبار جعلی و ربات‌های حامی صدها میلیون توئیت، هشتگ و ریپلای جعل کند. به نمونه‌هایی از این جنگ لایک در ماجرای مهسا امینی نگاه کنید:

- اکانت هومنیوم (hoomanium) هشت سال قبل ایجاد شد. این کانت طی هشت سال فقط دو توئیت زده ولی از ۱۹ شهریور فعال شد و در ۲۶ شهریور با حدود ۳۵۰۰ توئیت و ریتوئیت به اوج رسید.

- اکانت «چشمک» از سال قبل بدون فعالیت ایجاد شد تا شهریورماه فعالیت نداشت. او ۲۷۰۰ توییت و ریتوییت ثبت کرده است.
- اکانت «MOONCHILD^{7forever}» از ۱۱ ماه قبل از ۱۲ شهریورماه فعال شد و در مجموع ۲۵ لایک و ۱۴ توییت داشت. این اکانت ۲۵۰۰ توییت و ریتوییت مهسا امینی داشته است!
- نمونه اکانت «maria» با آیدی Lexibea بسیار جالب است. این اکانت دو ماه قبل فعال شده و از ۱۹ شهریور تا ۲۶ شهریورماه ۲۴۰۰ توییت و ریتوییت ثبت کرد. این اکانت از سوی توییتربات شناخته و معلق شد.
- توییت‌های علی کریمی که فقط ۷۰۰ هزار فالوور دارد و فقط برای ایرانی‌ها شناخته شده است، نزدیک به ۲۴۰ هزار لایک دریافت کرده است! اما توییت‌های ایلان ماسک، مالک شرکت‌های تسلا و اسپیس‌ایکس که یک چهره جهانی در حوزه فناوری و فضایی شناخته می‌شود، با ۱۰۰ میلیون فالوور، قریب به ۱۸۰ هزار لایک از کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌گیرد.

این چند نمونه کوچک نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در اینجا بسیار پیچیده‌تر از فتنه سال ۱۳۸۸ وارد شدند و با جنگ لایک یک موضوع کوچک را به یک معضل بین‌المللی تبدیل کردند.

۲۳- چرا در میان کشورهای جهان فقط ایران اقدام به فیلتر

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در موقع بحران می‌کند؟

اولاً در همه کشورهای جهان محدودیت و فیلتر اینترنت وجود دارد؛ مثلاً در آمریکا فیلترینگ اینترنت با حذف یا مسدود کردن دسترسی به اطلاعات منتشر شده یا قابل مشاهده از طریق اینترنت داخل خاک این کشور صورت می‌گیرد و با موضوعاتی مانند پورنوگرافی کودکان، قماربازی و حمایت از مالکیت‌های فکری و امنیت فضای مجازی برخورد می‌شود. تصویب زنجیره‌ای از قوانین محدود کننده استفاده از اینترنت در ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ با پیشنهاد بیل کلیتون رئیس‌جمهور وقت این کشور آغاز شد. در قانون یاد شده که به نام «قانون صلاحیت ارتباطات» (CAD)^۷ مشهور است، هرگونه اطلاع‌رسانی مستهجن و غیراخلاقی برای نوجوانان کمتر از

7. CDA: Communication Decency Act

۱۸ سال منع شده است. چندی بعد در سال ۱۹۹۸، قانون دیگری با نام (COPPA)^۸ به تصویب رسید که مطابق آن متصدیان صفحات اینترنتی از قرار دادن اطلاعات مربوط به کودکان زیر ۱۳ سال بر روی اینترنت یا استفاده از این قبیل اطلاعات بدون داشتن مجوز از پدر و مادر آنها منع و موظف شدند در صفحات خود نحوه جمع آوری اطلاعات مربوط به کودکان را به طور مشخص اعلام کنند. همزمان با این قانون، قانون دیگری به نام (COPA)^۹ طرح شد که سایت‌هایی را که در آنها مطالب آشکار جنسی یا عکس‌های مستهجن قرار داشت، محدود می‌کرد. یکی از انگیزه‌های اصلی طرح این قانون حفاظت نوجوانان از عوارض سوء اینترنت بود. به طور دقیق‌تر، بخشی از این قانون استفاده مجازی از انتقال هرگونه اطلاعات را که ممکن است برای کودکان مضر باشد، منع می‌کند.

ثانیاً در مواقع بحران همه کشورها اقداماتی برای توقف، فیلترینگ و کاهش سرعت شبکه‌های اجتماعی انجام می‌دهند؛ به عنوان مثال در جریان آشوب‌های ۲۰۱۱ تا تنهام انگلیس که مارک دوگان، سیاهپوست ۲۹ ساله

۸. COPPA: Children Online Privacy protection Act

۹. COPA: Child Online Protection Act

پدر چهار کودک کشته شد، دولت انگلیس فیس بوک، توئیتر و شرکت سازنده گوشی‌های بلک‌بری را مقصر آشوب‌ها دانست و بلک‌بری فیلتر شد اما فیس‌بوک و توئیتر به کمک دیوید کامرون آمدند و او را نجات دادند. در سال ۲۰۲۰ که ترامپ از قدرت کناره‌گیری نمی‌کرد و اغتشاش‌هایی در اطراف کنگره آمریکا شاهد بودیم، توئیتر اقدام به بستن حساب کاربری ترامپ با ۸۵ میلیون فالوور و ۷۰ هزار حساب دیگر کرد. توئیتر می‌گفت این حساب‌ها محتوای مربوط به کیوانان^{۱۰} را به اشتراک می‌گذاشتند و این تئوری توطئه را در این شبکه اجتماعی گسترش می‌دادند و تبلیغ می‌کردند و هدف از این کار را اشتراک‌گذاری عمدی اطلاعات گمراه‌کننده درباره نتیجه انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا اعلام کرد. ظاهراً شمار بالایی از حمله‌کنندگان به کاخ کنگره، طرفداران کیوانان بوده‌اند. برخی از حساب‌های مسدودشده به سناتورهای جمهوریخواه آمریکا مانند «مت گیتس»، «تد کروز»، «جاش هالی» و «مارجری تیلر گرین» تعلق داشتند.

ثالثاً همین شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها به تمامی سلطنت‌طلبان، گروهک‌های معاند و ضدانقلاب‌ها که وجهه تروریستی‌شان مشهود است، اجازه داده‌اند

¹⁰. QAnon

با انتشار مطالبی نظیر ساخت گلوله، خمپاره‌انداز، کوکتل مولوتف، آموزش مقابله با گاز اشک‌آور، آموزش نحوه شرکت در تظاهرات و تجمعات خیابانی، آموزش ساخت بمب‌دستی و... به خشونت‌گران کمک کنند و نه تنها حساب‌های آنها را مسدود نمی‌کنند بلکه با انواع ربات‌ها به آنها کمک می‌کنند که مطالب و فیلم‌هایشان دیده شود، لایک بخورد، بازپخش شود و در چنین شرایطی برای نظام جمهوری اسلامی فقط یک راه می‌ماند که با جنگ‌افزار شبکه‌های اجتماعی مقابله کند و آن مسیری است که کشورهای غربی هر روز با انواع قانون‌ها و نظارت‌هایشان به دور از چشم کاربران انجام می‌دهند.

فصل پنجم:

بررسی نقش سلبریتی‌ها

و جریانات سیاسی در اغتشاشات اخیر

۲۴- نقش سلبریتی‌ها در این فتنه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بلوای جدید پیش آمده در کشور تفاوت‌هایی با حوادث مشابه آن در سال‌های پیشین دارد که شاید مهم‌ترین آن نقش‌آفرینی ویژه سلبریتی‌هاست! اغتشاشات اخیر که در فقدان احزاب و گروه‌های سیاسی کشور شکل گرفت، به نوعی با محوریت و بازیگری ویژه و میداننداری سلبریتی‌ها شکل گرفت. هرچند در این مأموریت به دلیل کم‌سوادی و فقدان فهم کافی از علم سیاست، به نوعی نقش تبعی و درجه دوم را بر عهده داشتند و خودشان توسط جریان‌های رسانه‌ای ضدانقلاب مدیریت و خط‌دهی می‌شدند.

نقش مؤثر سلبریتی‌ها را می‌توان در ایجاد موج و جهت‌دهی به افکار عمومی در حوادث اخیر کشور مشاهده کرد، آنجا که هر روز خبری از واکنش تعدادی از آنان در فضای مجازی شنیده می‌شود. در این حوادث البته واکنش سلبریتی‌ها یکسان نبوده است، هر چند جریان برانداز در تلاش است تا به مخاطبان اینگونه القا کند که میان آنها تفاوتی وجود ندارد و همه

در یک اردوگاه واحد قرار دارند. مروری بر مواضع سلبریتی‌ها در حوادث اخیر این حقیقت را آشکار می‌کند که ما حداقل با چهار دسته از آنان مواجه هستیم.

دسته اول آن بخش از سلبریتی‌ها هستند که خود را به جمهوری اسلامی پایبند دانسته و صف خود را از ضدانقلاب جدا کرده‌اند و در این شرایطی که فشار بسیاری بر آنان وارد است، اعلام موضع در دفاع از انقلاب اسلامی کرده‌اند. در این میان می‌توانیم به نام‌هایی چون داریوش ارجمند، مهران رجبی، داریوش یزدانی (بازیکن سابق تیم استقلال)، وحید امیری، پروانه معصومی (بازیگر)، جعفر دهقان (بازیگر) و ... اشاره کرد که با عزت و شرف خود در دفاع از جمهوری اسلامی موضع‌گیری کردند.

دسته دوم آنهایی هستند که در این معرکه فتنه سکوت کردند و در حالی که به سختی تحت فشار بودند، از هرگونه اظهارنظری پرهیز کردند. در این فهرست نام‌های بسیاری را می‌توان برشمرد که یکی از برجسته‌ترین آنها «حسن یزدانی» قهرمان نامدار کشتی ایران و جهان است. همچنان بزرگان و پیشکسوتان فوتبال ایران از علی پروین تا امیر قلعه‌نویی و دهها چهره بزرگ و کوچک دیگر نیز بر همین رویه تأکید ورزیدند.

در مورد فشارهای وارده بر سلبریتی‌ها کافی است نگاهی به نوشتار سردار
آزمون انداخت. وی در مورد فضای ایجاد شده در این زمینه نوشته است:
«ضمناً باید از بازیکنان تیم ملی عذرخواهی کنم، چون این کار عجولانه
من باعث اذیت شدن دوستان عزیزم شد و از جانب بعضی کاربران،
اهانت‌هایی به ملی‌پوشان شده که به هیچ وجه منصفانه نبود و اشتباه از من
بوده.»

دسته سوم کسانی بودند که نتوانستند در برابر فشارها تاب بیاورند یا برای
همراهی با افکار عمومی معترضان، توئیتی با #مهسا_امینی را منتشر کردند
و درگذشت او را تسلیت گفتند. حداکثر واکنش برخی از آنها در
پیام‌هایشان انتقاد از فضای بسته فرهنگی و مخالفت با گشت ارشاد بود. این
دسته را مبتنی بر واکنش‌هایشان می‌توان در زمره معترضان تقسیم کرد و
مرزهایی برای آنان از اغتشاشگران در نظر گرفت و نباید حساب آنان را با
دسته چهارم یکی کرد. به نظر می‌رسد صحبت و گفت‌وگو با این افراد
بخش قابل ملاحظه‌ای از سوءتفاهمات را حل خواهد کرد.

در این بین، دسته چهارمی بودند که هر چند در میان صدها چهره شناخته
شده عرصه فرهنگ، هنر و ورزش، اقلیتی کم‌شمار به حساب می‌آیند، اما

در این روزها به یمن حمایت رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب میداندار آشوب و بلوا شدند و توانستند بر دنبال‌کننده‌های خود بیفزایند و مورد تمجید دشمنان این ملت از رجوی تا پهلوی قرار بگیرند! تکلیف این جمع معدود که اغلب نیز به خارج از کشور پناه برده‌اند، از سه گروه قبلی جداست و باید برای آنان حساب جداگانه‌ای باز کرد.

در نهایت خوب است که دیدگاه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی را در مورد نقش سلبریتی‌ها در حوادث اخیر داشته باشیم. معظم‌له در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح فرمودند: «برخی چهره‌های ورزشی و هنری هم موضع‌گیری‌هایی کردند؛ به نظر بنده هیچ اهمیت ندارد؛ روی این نباید حساسیت به خرج داد. جامعه ورزشی ما جامعه سالمی است، جامعه هنری ما هم جامعه سالمی است. عناصر مؤمن، علاقه‌مند، باشرف، در این جامعه ورزشی و هنری کم نیستند، زیادند؛ حالا چهار نفر هم یک حرفی می‌زنند؛ حرف آنها ارزشی ندارد. اینکه حالا آیا عناوین مجرمانه بر حرف آنها تطبیق می‌کند یا نه، به عهده قوه قضاییه است، اما از لحاظ نگاه عمومی هیچ اهمیت و ارزشی ندارد و جامعه هنری ما و

ورزشی ما با اینگونه حرکت‌ها، با این رفتارهای دشمن‌شادکن، آلوده نخواهد شد.» (۱۴۰۱/۷/۱۱)

۲۵- متولی مدیریت سلبریتی‌ها کیست یا چه نهادی است؟

واقعیت آن است که سردرگمی‌های موجود در عرصه فرهنگ و غفلت‌های جدی برخاسته از بی‌توجهی به عرصه فرهنگ موجب شده تا مبنای مشخصی برای ساماندهی سلبریتی‌ها وجود نداشته باشد! و در این زمینه نهادهای مسئول از شورای عالی انقلاب فرهنگی تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ورزش و جوانان، خانه هنرمندان و... هیچ یک سیاست هماهنگ و مشخصی برای رسیدگی به چنین امور نداشته باشند!

همین امر موجب شده تا شاهد چنین افسارگسیختگی‌هایی در این میدان باشیم که هر کس می‌تواند به سادگی در این دایره قرار گیرد و به عنوان سلبریتی، از جاهت فرهنگی - اجتماعی اثرگذار در جامعه برخوردار باشد بدون آنکه مسئولیت کارهای خود را بر عهده بگیرد و پاسخگوی عملکرد خود باشد! حقیقت تلخ آن است که در طول سال‌های اخیر کار فرهنگی - مشخص، هدفدار، ناب و هنرمندانه‌ای برای مواجهه و ارتقای بینش فکری -

سیاسی سلبریتی‌ها انجام نگرفته که امروز انتظار داریم اکثریت آنان در تراز جمهوری اسلامی در جامعه نقش آفرین باشند!

البته باید توجه نمود که کار در این عرصه با ظرافت‌ها و دشواری‌های فراوانی همراه است و نگاهی که به دنبال مدیریت سخت‌افزارانه و تعریف نهادی به عنوان متولی مدیریت سلبریتی‌هاست نیز نگاه درستی نخواهد بود و اگر قرار باشد در این امر هدایت و مدیریتی هم باشد، باید دقت داشت که روش‌های نامحسوس و غیررسمی و نرم‌افزارانه و مبتنی بر ارتباط همدلانه در این عرصه جواب خواهد داد و مدیریت‌های قانونی و حقوقی حالت مکمل و فصل‌الخطابی خواهند بود.

۲۶ - مباحثات با سلبریتی‌ها تا کجا ادامه دارد؟

اول آنکه همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز فرمودند: «جامعه ورزشی ما جامعه سالمی است، جامعه هنری ما هم جامعه سالمی است. عناصر مؤمن، علاقه‌مند، باشرف، در این جامعه ورزشی و هنری کم نیستند، زیادند.» لذا خطاست که آنها را یکپارچه ببینیم و رفتار چند نفر از آنان را به همه تعمیم دهیم.

نکته دیگر آنکه مماشات با سلبریتی‌ها تا آنجایی ادامه خواهد داشت که
توانیم یک نظام جامع و مبتنی بر آن قانونی دقیق و عملیاتی برای تعریف
حدود و ثغور فعالیت سلبریتی‌ها در کشور طرح‌ریزی کنیم. باید توجه
داشت که بدون وجود چنین سامانی، برخوردهای ما سلیقه‌ای خواهد بود
که همین برخورد سلیقه‌ای که رنگ و بوی تبعیض خواهد گرفت، بیشتر به
خراب شدن کارها خواهد انجامید.

نکته دیگر آنکه نظام قرار نیست که به سلبریتی‌ها تنها به عنوان یک تهدید
بنگرد! بلکه باید تلاش کند تا با طراحی فرآیندهایی، سلبریتی‌ها را به
فرصتی برای نظام بدل نماید. سلبریتی، واقعیتی در دنیای امروز است که از
میزان قابل ملاحظه‌ای نفوذ و اثرگذاری نزد جوانان برخوردار است و با
توجه به آمیختگی جامعه با فضای جهانی، نمی‌توان به سادگی آنان را نادیده
گرفت، بلکه باید تلاش کرد تا با شگردهایی آنان را کنترل کرد و در
خدمت جامعه قرار داد و از ظرفیت‌های آنان استفاده نمود.

۲۷- چرا به جای مردم عادی بدحجاب با سلبریتی‌های

بدحجاب که الگوی بسیاری از زنان و دختران هستند

برخورد نمی‌شود. این دوگانگی را چگونه می‌توان توضیح

داد؟

همانطور که اشاره شد، حقیقت امر را باید در فقدان قانون دقیق، مشخص، همه‌جانبه و برآمده از یک عقلانیت جمعی در این زمینه جست‌وجو کرد. همین امر موجب شده تا کار مواجهه با سلبریتی‌ها در حوزه حجاب نیز دشوار شود. ضمن آنکه قوانین موجود در موضوع حجاب نیز با ضعف‌هایی جدی مواجه است که تحقق آن را در عمل دشوار کرده است.

در شرایط فقدان قانون مشخص، مواجهه با بدحجابی سلبریتی‌ها دشوار است و پیامدهای خاص خود را دارد؛ چراکه آنها دارای قدرت و نفوذی برآمده از محبوبیت در جامعه هستند و از حمایت‌های رسانه‌ای و افکار عمومی برخوردارند، لذا معمولاً افراد حاضر نیستند که به مقابله با آنان بروند و وارد پروسه‌ای پرهزینه گردند. اما چنین هزینه‌ای برای مواجهه با افراد عادی وجود ندارد!

۲۸- اصلاح‌طلبان در ماجرای اغتشاشات چه نقشی داشتند و

چگونه موضع‌گیری کردند؟

در حوادث پیش آمده اصلاح طلبان به مثابه کاسبانی وارد میدان شدند تا با بهره گیری از رسانه های گسترده در اختیارشان، انتفاع سیاسی - جناحی خود را داشته باشند!

- در گام اول جریان اصلاح طلب فرصت را مناسب دانست و تلاش کرد تا با همه توان خود را مدافع آزادی و مخالف گشت ارشاد معرفی کند! آنان از دوقطبی ایجاد شده موافقین و مخالفین گشت ارشاد سوءاستفاده و تلاش کردند تا رقبای سیاسی خود را مخالفین آزادی های فرهنگی - اجتماعی معرفی کنند و خود را پرچمدار آزادی جا بزنند. اصلاح طلبان از معیوب بودن روندهای موجود در عرصه عمومی و مواجهه با مسئله آزادی های اجتماعی و مسئله زنان سخن گفتند، گشت ارشاد را خلاف قانون، منطق و شرع معرفی کردند و عاملی برای وهن چهره اسلام و نظام دانستند! و در نهایت نگرانی خود را از تکرار حوادث مشابه ابراز داشتند و خواهان حذف گشت ارشاد شدند.

- بخشی دیگر بدون آنکه حاضر باشند حقایق مشخص شده در این ماجرا را بشنوند، با همه توان در تخریب و تضعیف نیروی خدوم حافظ امنیت و انتظامی کشور فعال شده و با دروغ پردازی و در حالی که شواهد

کافی برای عدم ضرب و شتم آن مرحومه منتشر گردید، باز هم بر برخورد خشونت‌آمیز نیروی انتظامی تأکید دارند! همچنین تخریب چهره بسیج و سپاه نیز در این مسیر به عنوان مکمل‌های تأمین امنیت و یار و مددکار نیروی انتظامی توسط این جریان دنبال شد.

- طیف رادیکال و ساختارشکن فرصت را مناسب دانستند تا با هجمه به جمهوری اسلامی، از ناکارآمدی و شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه فرهنگ سخن بگویند و مدعی شوند که «این طرز اداره کشور نیست. نه قانونش مطابق خواست عمومی است، نه در اجرا می‌توانند متعادل رفتار کنند و نه قادرند که به شفافیت تن دهند.»

- طیف رادیکال همچنین خواستار تداوم آشوب و بلوا شده و تلاش نمود تا با بازگشایی دانشگاه‌ها، بدنه نفوذی خود را فعال سازد و زمینه تعطیلی کلاس‌های درس دانشگاه‌ها را فراهم نماید؛ اقدامی که می‌تواند موجب تداوم ناآرامی‌ها و گرم نگه داشتن آتش اغتشاش باشد!

- طیفی دیگر از فرصت‌طلبان اصلاح‌طلب، آن را بهانه‌ای برای احیای فتنه ۸۸ کرده و ماجرای زندان کهریزک را بازخوانی کردند! و با چشم

پوشیدن به آن همه جنایات فتنه‌گران، تلاش کردند تا نظام را مجدداً متهم نمایند! همچنین مرده سیاسی به نام میرحسین موسوی را وارد معرکه کردند تا با صدور بیانیه‌ای به تحریک جوانان غفلت‌زده پردازند؛ بیانیه بی‌اثری که حتی مورد توجه اغتشاشگران هم قرار نگرفت و اعتنایی به آن نشد!

- طیف روشنفکران سکولار اصلاح‌طلب که در حوزه گفتمانی مدت-هاست از مقوله حکومت دینی گذشته و حداکثر آن را در حد «حکومت دینداران» تنزیل داده است، بحث را در سطح موافقین و مخالفین گشت ارشاد نگه نداشتند، بلکه در نگاهی وسیع‌تر کارکردهای حکومت اسلامی را مورد چالش قرار دادند و حکومت را از هرگونه اقدام در عرصه هدایت و تربیت منع کرده و با طرح سؤالاتی از این قبیل که وظایف و اختیارات حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ و تربیت تا چه حد است و آیا حکومت اسلامی در این عرصه‌ها نیز اختیاراتی دارد یا خیر؟ تلاش کردند تا بخشی از کارکردهای حکومت اسلامی را زیر سؤال برده و آن را در حد دستگاهی که تنها به سیر کردن شکم مردم باید مشغول باشد و رسالت و وظایفی برای هدایت جامعه ندارد، تقلیل

دهند! در این میان بخشی از روحانیون این جریان که تلاش دارند حرف سکولارها را به زبان آیات و روایات بزنند، ناشیانه آیه کریمه «لا اکراه فی الدین» را نشانی از آن آوردند که حکومت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر هیچ وظیفه‌ای ندارد! و فرهنگ جامعه باید به حال خود رها شود!

۲۹- خط رسانه‌ای اصلاح‌طلبان در حوادث اخیر چگونه بود؟

حوادث اخیر نشان داد که اصلاح‌طلبان دیگر به عنوان بازیگر محوری و اصلی در تحولات سیاسی- اجتماعی نقش خود را از دست داده‌اند و به جریانی منفعل، پیرو و درجه دوم بدل شده‌اند که ترجیح‌شان پیروی از روندهایی است که در جامعه شکل گرفته است. رسانه‌های آنها نیز در این مسیر تقریباً همین‌گونه نقش‌آفرین بودند و دنبال‌روی رسانه‌های اغتشاشگری شدند که توسط بیگانگان اداره می‌شد. تنها تذکرات قانونی نهادهای نظارتی بود که تا حدی آنان را محدود نمود و نتوانستند آنگونه که می‌خواستند بر مسیر پیروی خود ادامه دهند. با این مقدمه چند محور رسانه‌ای آنان را می‌توان چنین برشمرد:

- حمایت از اغتشاشات ایجاد شده
- تلاش برای مظلوم‌نمایی از اغتشاشگران
- نادیده گرفتن اقدامات خرابکارانه و ساختارشکنانه اغتشاشگران
- نادیده گرفتن نفوذی‌های رسوخ کرده در صف معترضین
- متهم کردن نیروهای حافظ امنیت به خشونت و ضرب و شتم جوانان ، زنان و ...
- حمله به گشت ارشاد
- دفاع از شعار عبور از حجاب و هشتگ نه به حجاب اجباری
- تلاش برای تداوم فتنه و پایان نیافتن آن
- تلاش برای فعالسازی دانشگاه‌ها در ماجرای فتنه
- تلاش برای به تعطیلی کشاندن دانشگاه‌ها
- حمایت از سلبریتی‌ها و مظلوم‌نمایی برای آنان

۳۰- جریان انحرافی و احمدی‌نژاد در این ماجرا چگونه

نقش آفرین بودند؟

احمدی نژاد و باند حامی او نیز در این ماجرا به مثابه یک فرصت طلب عمل کردند و با رفتارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه که در این سال‌ها به مهارتی برای آنها بدل شده است، تلاش کردند تا با موج سواری خود را مدافع جریان اغتشاشگر معرفی کنند.

احمدی نژاد ابتدا با انتشار یک فایل تصویری درباره حجاب و اغتشاشات اخیر گفته است: «چه کسی شما را مأمور کرده کنترل کنید؟ این یعنی محدود کردن آزادی مردم. این غلط است و فساد از اینجاست و چقدر فجایع در این کنترل اتفاق می‌افتد. حالا چه کسی گفته شما کنترل کنید؟ چه کسی گفته شما صالح به کنترل هستید؟ چه کسی گفته کنترل شما مفید است؟ چه کسی گفته در کنترل‌های شما فسادهای عجیب و غریب اتفاق نمی‌افتد؟ خود شما را چه کسی می‌خواهد کنترل کند؟»

وی در آخرین اظهارات منتشر شده‌اش خود را مدافع آزادی فضای مجازی معرفی کرده و می‌گوید: «طرحی درست کردند که فضای مجازی را محدود کنند. اجازه تجمع که نمی‌دهید، مردم رسانه‌ای هم ندارند، در انتخابات هم که می‌آیند و حرفشان را با رأی ندادن یا رأی باطله یا رأی

دادن می‌زنند، آن را هم گوش نمی‌کنید، حالا می‌خواهید فضای مجازی را هم ببینید؟!»

افراد و رسانه‌های نزدیک به او نیز همین خط را در پیش گرفتند و عملاً به صف حامیان اغتشاشگران پیوستند! کافی است مروری بر سایت «دولت بهار» داشته باشیم که در این ایام به بازنشر مواضع اغتشاشگران و بارها به تضعیف حافظان امنیت کشور پرداخت! و از مطالبات غیرقانونی و ساختارشکنانه اغتشاشگران حمایت نمود.

۳۱- مهم‌ترین سیاستی که این روزها برای مهار کامل فتنه

باید مورد توجه قرار گیرد، چیست؟

برای مواجهه با دشمن در این مقطع باید هدفگذاری اصلی آن را مورد حمله قرار داد. دشمنان تداوم ناآرامی و بلوا را می‌خواهند. آنها به خوبی می‌دانند که جدایی حتی یک وجب از خاک ایران میسر نیست، لذا به چندپارگی ایرانیان می‌اندیشند. ابراز ناراحتی نسبت به مرگ دختری جوان و حتی اعتراض به شیوه‌های عملکرد «گشت ارشاد» می‌تواند به مثابه انتقادی در درون جامعه به رسمیت شناخته شود، اما بهانه کردن آن برای ایجاد

شکاف و دودستگی میان ملت و مملو کردن سینه‌ها و قلب‌ها از کینه‌ها و نفرت‌ها، سناریویی است که دشمنان این ملت طرح کرده‌اند.

حفظ انسجام، آرامش، همدلی و وحدت درونی یک کشور، مهم‌ترین مقدمه و بستر حرکت جامعه به سمت پیشرفت، توسعه و آبادانی کشور است. در این بستر وجود عوامل دیگر توسعه به خدمت آمده و فعال شده و حاصل آن حرکت تحولی به سمت اهداف و آرمان‌های مطلوب یک جامعه خواهد بود. درک اهمیت آرامش و همدلی است که می‌تواند ما را به اغراض پنهان دشمن از تلاش برای ایجاد ناآرامی و اغتشاش در کشور راهنمایی و مشخص کند که چرا همه توان دشمن در طول سال‌های اخیر خرج درگیر کردن جامعه ایرانی شده است. تلاش برای فعالسازی شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در حوزه‌های قومی، مذهبی، نسلی، جنسیتی و ... از جمله همین هدفگذاری‌هاست.

در اینجا همه افراد جامعه نیازمند تأمل، آرامش، بصیرت، هوشمندی و مدیریت خشم و احساسات خود هستند تا دشمن نتواند از این آب گل آلود فتنه، ماهی خود را صید کند. در این مسیر باید جامعه را به آرامش دعوت کرد تا انتقاد به شیوه‌ها و کارکردها در عرصه حکمرانی در قالب گفت‌وگو

دنبال شود. دوقطبی کردن جامعه به موافقان و مخالفان گشت ارشاد و حجاب و ... ناآرام کردن خیابان و فریاد برآوردن شعارهای تحریک و تهییج کننده که معمولاً با وهن و توهین نیز همراه است، نه تنها گرهی از مشکلات کشور نخواهد گشود، بلکه تنها بر کینه‌ها و عقده‌ها خواهد افزود. جامعه ایران به همدلی نیازمند است و این همدلی از میدان گفت‌وگو می‌گذرد، نه از معرکه بلوا و اغتشاش! هر کس با هر انگیزه‌ای از هر سوی این ماجرا جامعه را تحریک کند، بدون شک خواسته یا ناخواسته در سناریوی دشمن حرکت کرده است.

همچنین باید با صبوری و حوصله سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و تحریک کننده دشمن را برای جامعه بازشمرد و از هرگونه اقدامی که موجب تحریک جامعه می‌گردد، پرهیز نمود.

فصل ششم:

چرایی ایستادگی جمهوری اسلامی بر موضوع «حجاب»

۳۲- سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در بیاناتشان فرمودند:

«آن دختر کم حجاب دختر من هم هست.» رهبر معظم

انقلاب هم فرمودند: «همانگونه که من نقصی در بدن دارم،

اینها هم نقص ظاهری دارند.» آیا این نافی نگاه سلبی به

بی حجابی نیست؟

در ارجاع به بیانات رهبر معظم انقلاب یا سیره شهدا، نگاه جامع و مانع باید

مد نظر باشد و از برخورد گزینشی اجتناب کرد. چنانکه رهبر معظم انقلاب

در بیاناتشان در ۱۷ اسفند ۹۶ فرمودند: «ما که نگفتیم اگر کسی در خانه خودش در مقابل نامحرم روسری‌اش را برداشت ما او را تعقیب می‌کنیم، اما آن کاری که در خیابان انجام می‌گیرد، جنبه عمومی دارد و این خطای بی‌حجابی برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است، تکلیف ایجاد می‌کند. حرام کوچک و بزرگ ندارد و حرام شرعی نباید به صورت آشکار در کشور صورت گیرد. حکومت اسلامی مانند حکومت امیرالمؤمنین و حکومت پیامبر وظیفه دارد در مقابل گناه آشکار بایستد.»

در یک جمع‌بندی جامع درباره بیانات ایشان، باید به چند نکته توجه کرد: - در ادبیات رهبر معظم انقلاب و شهید سلیمانی بی‌حجابی به معنای بی‌عفتی و تقابل با اسلام و نظام اسلامی نیست، چنانکه ایشان در بیانات اخیر خود در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح فرمودند: «خیلی از این کسانی که حجاب کاملی هم ندارند، جزو هواداران جدی نظام جمهوری اسلامی هستند؛ شما می‌بینید در مراسم مذهبی، در مراسم انقلابی، اینها شرکت می‌کنند.»

- نکته دوم اینکه با توجه به شمولیت و گستردگی انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب و برخی بزرگان مانند شهید سلیمانی ملاحظه شمولیت و

گسترده‌گی در مواجهه با اقشار مختلف جامعه را دارند. فرمایش شهید سلیمانی از حیث تفسیری باید اینگونه برای جامعه تبیین گردد که یعنی من دغدغه و نگرانی‌هایی شامل امنیت، تربیت، آموزش و ... که نسبت به دختران بی‌حجاب دارم، مانند دغدغه‌هایی است که برای دختر خودم دارم.

- این رویکرد در مواجهه با دو رویکرد افراط و تفریط درون جامعه است، آنها اگر ببینند یکی از جامعه زنان به اشتباه در مسیری خطا قدم برداشته است نه او را مانند برخی نیروهای افراطی به صورت کامل و مطلق طرد می‌کنند و نه مانند برخی سیاسیون و جریان‌های سیاسی به چشم یک پدیده رأی آور و انتخاباتی نگاه می‌کنند، بلکه او را انسان شریفی می‌دانند که نقصی دارد و صادقانه باید برای رفع نقص آن تلاش کرد.

- نکته دیگر، اهم و مهم در رفتار سیاسی و انقلابی است. امثال شهید حاج قاسم سلیمانی در مواجهه با دشمنی مانند صهیونیسم، در نوک پیکان مبارزه با آمریکا و انسجام‌بخشی به صف مبارزات، با زنان و مردان مسلمانی سروکار دارند که ضمن اعتقاد به خدا، آخرت و عمل صالح در حوزه سیاسی (به مثابه اشتراک در امر مبارزه) باید به مشارکت و جذب

حداکثری در این باره اقدام کند. او در عرصه عمل بی‌تردید در کمپ‌های لبنان و حتی اراضی اشغالی با مبارزان به ویژه زنان و دخترانی مواجه بودند که بدون حجاب مصطلح در ایران با قدرت تمام در برابر اسرائیل برای صیانت از حق تاریخی خود ایستاده‌اند. لذا در تفسیر این رویکرد باید اهم و مهم کردن در فعل و رفتار سیاسی را مدنظر قرار داد.

۳۳- آیا حجاب یک موضوع شرعی است؟ چرا برخی ادعا

می‌کنند در عصر پیامبر بی‌حجابی رایج بوده و پیامبر(ص)

برخوردی ننموده است؟

در قرآن به عنوان اصلی‌ترین مبنای شرعی ما به حجاب اشاره شده است. آیه ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب علاوه بر نهی از بی‌حجابی با عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» سه پوشیدنی را برای رفع بی‌حجابی ذکر می‌کند. خُمُر، جُیُوب و جِلْبَاب سه پوشیدنی مورد اشاره قرآن هستند.

اینکه لغت‌شناسان جِلْبَاب را لباسی بزرگ‌تر از روسری و کوچک‌تر از ردا معنا کرده‌اند که زنان بر سرشان می‌گذارند و تا روی سینه‌شان را می‌پوشاند. در قاموس به عنوان معتبرترین کتاب لغت در فرهنگ عربی تعریف جِلْبَاب

چنین آمده است: «پیراهن و لباس گشاد، کوچک تر از ملحفه یا چیزی است مثل ملحفه که زن لباس خود را با آن می پوشاند.»

نکته بعدی در تدریجی بودن نزول آیات حجاب است؛ چراکه خداوند برای جامعه پذیر کردن برخی احکام، آیات آن را به صورت تدریجی بر پیامبر (ص) نازل فرموده اند. ممنوعیت شرب مسکرات، داشتن حجاب و ... از جمله نزول احکام به صورت تدریجی و گام به گام بوده است.

آیات حجاب طبق نظر برخی مفسرین قرآن پس از ازدواج با زینب بنت جحش در سال پنجم هجری و در سه مقطع نازل شده است و در گام اول صرفاً بر همسران پیامبر (ص) و در گام آخر شامل زنان مسلمان شده است. برخلاف ادعای عدم برخورد پیامبر (ص) با بی حجابی در برخی کتب سیره و تواریخ به تحذیر پیامبر نسبت به بدحجابی همسران خویش یا زنان مؤمنه اشاره شده است.

۳۴- آیا نگاه سلبی به حجاب جواب می دهد؟ چقدر این

موضوع می تواند در گسترش یا رفع بی حجابی تأثیرگذار

باشد؟

قانون به حجاب نگاه صرفاً سلبی ندارد بلکه نگاه سلبی و ایجابی توأمان است. مصوبه جلسه ۴۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ شورای فرهنگ عمومی کشور یک قانون جامع پیرامون حجاب است و برای ۲۴ سازمان مشتمل بر ۳۰۰ وظیفه مشخص شده است که بیشتر از نگاه سلبی و قهری، رویکرد ایجابی، فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری مد نظر بوده است. البته باید پذیریم اگر همه تکالیف مد نظر توسط سازمان‌های مربوطه انجام می‌شد کمتر به استفاده از قدرت قهری یا سلبی می‌رسیدیم. برخی از مشکلات امروز حاصل تکالیف بر جای مانده از نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت و ... است.

البته این موضوع را نباید نفی کرد که برخی پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی مانند اعتیاد، فساد اخلاقی، بی‌حجابی و ... نیازمند فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری است. در برخی مواقع حاکمیت برای رفع برخی عوارض سوء مانند گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی مجبور به استفاده از رویکرد سلبی می‌شود. خطایی که در این استدلال باید مدنظر داشت این است که برخورد سلبی مانند مواجهه پلیس با بی‌حجابی نه به معنای تلاش برای گسترش و فرهنگ‌سازی حجاب است که میزان حجاب و محجبه‌ها را با آن مورد

سنجش قرار دهیم بلکه این اقدامات تلاش برای عدم شیوع بی‌حجابی به عنوان یکی از زمینه‌های گسترش بی‌عفتی و برخی ناهنجاری‌های اخلاقی است.

از سویی دیگر نکته‌ای که باید در این پاسخ مدنظر داشت، این است که برخی در مواجهه سلبی با بی‌حجابی مانند برخورد پلیس، به تعداد محجبه‌ها یا افراد بی‌حجاب یا بدحجاب استدلال می‌کنند. در صورتی که این موضوع به عنوان یک موضوع اجتماعی تک‌ساحتی نیست بلکه دارای ابعاد و مؤلفه‌های بسیاری مانند تهاجم فرهنگی دشمن، سیستم آموزشی، نهادهای جامعه‌پذیری فرهنگ و ... هستند که برای تحلیل آن، باید همه این مؤلفه‌ها را دخیل دانست.

فصل هفتم:

اغتشاشات سیستان و بلوچستان

۳۵- علل آشوب‌های اخیر در استان سیستان و بلوچستان

چیست؟

آشوب‌های اخیر در استان سیستان و بلوچستان دارای عوامل اصلی و فرعی است:

علل اصلی: پیاده‌سازی همان سناریوی دشمن در سایر نقاط کشور و استفاده از گسل‌های مذهبی و قومیتی در استان سیستان و بلوچستان بود. همانگونه که در سایر استان‌ها با نقش‌آفرینی معاندین خارجی و اپوزیسیون داخلی مهسا امینی رمز فتنه تلقی می‌شد، در استان س و ب نیز در همین زمینه، گروهک‌های معاند سیلی خورده از انقلاب نقش اصلی را داشتند.

علل فرعی: علل فرعی از موضوع شایعه تجاوز جنسی به یک دختر ۱۵ ساله بلوچ توسط فرمانده انتظامی چابهار شروع شد و در دو مرحله نقش ایفا کرد.

در مرحله اول با تبیین مسائل و روشنگری از سوی جریان انقلاب تا حدودی شرایط کنترل و مدیریت شد اما در مرحله دوم که از سه شنبه شب ۱۴۰۱/۷/۵ با مصاحبه امام جمعه راسک مولوی عبدالغفار نقشبندی [از مولوی‌هایی که دشمن امید خاصی به او داشته و افکار عمومی از او تأثیرپذیری دارد] آغاز و با سخنان مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی در خطبه‌های نماز جمعه در خصوص این موضوع و در ادامه مصاحبه‌ها و بیانیه‌های پایگاه‌های معلوم‌الحال مانند سنی آنلاین و... و برخی مولوی‌های معلوم‌الحال، شعله فتنه گسترش یافت.

البته در این میان می‌توان به کوتاهی و تأخیر دستگاه‌هایی که بایستی موضوع تجاوز را بررسی، تحلیل و اطلاع‌رسانی به موقع می‌کردند ولی به نقش و وظیفه خودشان شایسته و به موقع عمل نکردند و از این ضعف در تبیین و روشنگری، دشمن سوءاستفاده و برخی مولوی‌های تندرو با خطبه‌خوانی و ... مردم را تحریک کردند نیز پرداخت.

چه بسا اگر دستگاه‌های مسئول بررسی به موقع داشتند و اطلاع‌رسانی می‌کردند، افکار عمومی کمتر تحت تأثیر تحریک برخی از اصحاب تریبون و پایگاه‌ها قرار می‌گرفت.

۳۶- وقایع بعد از نماز جمعه زاهدان چگونه و از کجا آغاز

شد؟

همانگونه که در پاسخ به سؤال قبلی اشاره شد، چون فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استان با عنایت به رخداد‌های چابهار آستان فتنه دیگری بود، دشمنان و معاندین خارجی با تحریک عوامل گروهک جنرالشیطان و میزان توانمندی و عقبه نفوذی که در شهر زاهدان داشت، تصمیم گرفتند از این فرصت حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورند. لذا در روز جمعه ۱۴۰۱/۷/۸ این گروه با حضور دو خودروی سواری و موتورسیکلت در ورودی عیدگاه اهل سنت که محل برگزاری نماز جمعه مسجد مکی در فاصله چندمتری این عیدگاه قرار دارد از فاصله نزدیک با گشودن آتش و حمله مسلحانه به کلانتری ۱۶، فتنه را آغاز و مأمورین نیروی انتظامی هم با توجه به حجم آتش دشمن و کوییدن یک دستگاه

اتوبوس به دیوار کلانتری و احتمال سقوط کلانتری مجبور به تیراندازی به سمت معاندین و اشرار مسلح می‌شوند، اما متأسفانه چون نمازگزاران در زمان خروج از عیدگاه با این صحنه مواجه می‌شوند برخی از نمازگزاران بعضاً با تحریک اشرار به کمک آنها آمده و تعداد مهاجمین به کلانتری افزایش می‌یابد که با تیراندازی اشرار و مأمورین تعدادی از مردم عادی نیز کشته و زخمی می‌شوند.

۳۷- ابعاد و نحوه گسترش حوادث زاهدان چگونه است؟

با شعارهای ساختارشکنانه‌ای که در زمان درگیری داده می‌شود و تحریک احساسات مبنی بر اینکه از ابتدا حمله به نمازگزاران توسط مأمورین نظامی و امنیتی، بسیج و سپاه انجام شده و استفاده از تحریک احساسات جوانان سنی مذهب که برآوردهای کارشناسی و دقیق نشان می‌دهد اکثر افراد حاضر در این فتنه زیر ۲۵ سال بودند، دامنه فتنه به درگیری مسلحانه و پیاده-سازي نقشه کشته‌سازی و آسیب جدی به دستگاه‌های اداری، خدماتی و دولتی ادامه و گسترش پیدا می‌کند و از ساعت ۱۴ تا حدود ۱۵ اکثر خیابان‌ها و مناطق زاهدان به ویژه مناطق حاشیه شهر زاهدان از جمله خیابان‌های

خیام (محل مسجد مکی)، خرمشهر، جام جم، کریم آباد، شیرآباد (آزادی- شمالی)، بلوار کشاورز، بلوار شهید میرحسینی حدفاصل میدان کارگر تا میدان امام حسین (ع) (مزار شهدا) که ترکیب اکثریت جمعیتی آنها اهل سنت بوده، در مرحله اول به شدت مورد هجوم و تاخت و تاز اشراک (آتش- سوزی، تیراندازی و...) قرار می گیرد و در مرحله دوم سایر مناطق و اماکن زاهدان از جمله خیابان های بابائیان، میدان کوثر، فاضلی، پایگاه ها و حوزه- های مقاومت و تا ساعت ۲۰ کل فضای شهر زاهدان و بعضاً مسیرهای ورودی به زاهدان به فتنه، آشوب و ناآرامی کشیده می شود.

البته اگر اقدام به موقع دستگاه های مسئول به ویژه سپاه و بسیج و حضور به موقع بسیجیان عزیز در صحنه نبود، قطعاً دامنه فتنه گسترده تر از آنچه شرح داده شد، می بود.

۳۸- سیدحمیدرضا هاشمی، معاون اطلاعات سپاه سلمان

چگونه شهید شد؟

حوالی ساعت ۲۰ جمعه شب در حالی که تعدادی از فرماندهان و مسئولان امنیتی- انتظامی در سطح شهر زاهدان در حال گشت زنی و کنترل اوضاع

بودند، در تقاطع خیابان شهید بهشتی و خیام اشرار قصد آتش زدن داروخانه شبانه‌روزی بوعلی را داشتند که با اطلاع شهید هاشمی از این موضوع، نامبرده با تعدادی از همکاران برای پیشگیری از این حادثه در این محل حضور می‌یابد و مانع از آتش‌سوزی می‌شود.

بلافاصله با اطلاع از آتش زدن ساختمان بیمه سلامت که در میدان خیام حدود ۲۰۰ متری مسجد مکی قرار دارد سیدهاشمی برای کنترل و پیشگیری از ادامه آتش‌سوزی و وارد شدن خسارت بیشتر به این مکان مراجعه می‌کند که در اینجا نیز اقدامات مؤثر پیشگیرانه را به عمل می‌آورد. در ادامه برای کنترل بحران و متفرق‌سازی افرادی که جلوی مسجد مکی تجمع کرده بودند، عملیات گشت شناسایی به در مسجد مکی مراجعه می‌کند که متأسفانه حین انجام مأموریت توسط افراد مسلح شرور وی شناسایی می‌شود و مورد اصابت گلوله از ناحیه قفسه سینه و گردن قرار می‌گیرد و به رغم اعزام به بیمارستان نبی اکرم (ص) نیروی زمینی سپاه، به علت شدت جراحات و خونریزی به فیض شهادت نائل می‌شود.

فصل هشتم:

چرایی عملیات علیه گروهک‌های تجزیه طلب کُرد

۳۹- فلسفه عملیات علیه مواضع گروهک‌های تجزیه طلب

کُرد و نقش گروهک‌های معاند تجزیه طلب در اغتشاشات

اخیر چه بود؟

نقش گروهک‌های معاند قومی را باید در راهبرد مشترک رژیم صهیونیستی و رژیم آمریکا بررسی کرد. از ابتدای روی کار آمدن بایدن در آمریکا، راهبردی را دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در پیش گرفتند که عبارت است از ترکیب اقدامات کوچک بسیار، در جبهه‌های متعدد نظامی و دیپلماتیک که جایگزین یک حمله شدید به ایران است.

یکی از ابزارهای پیاده‌سازی این راهبرد، گروهک‌های تروریستی تجزیه-طلب است، لذا آمریکا و رژیم صهیونیستی گروهک‌های تروریستی و سرسپرده را با حمایت لجستیکی و مالی سازماندهی مجدد نموده تا به زعم خود جمهوری اسلامی ایران را با تهدید امنیتی در مرزهای مختلف درگیر سازند.

در راستای این توطئه هماهنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی، گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب کومله و دموکرات از ابتدای سال جاری با پشتیبانی مالی، لجستیکی و رسانه‌ای سرویس‌های جاسوسی معاند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، طرح‌ها و برنامه‌هایی را به صورت هدفمند و هماهنگ، برای به چالش کشیدن اقتدار و امنیت ج.ا.ایران به ویژه در منطقه شمال غرب و غرب کشور در دستور کار خود قرار دادند و به این منظور روند سازماندهی و تسلیح هسته‌های داخلی تشدید گردید و همزمان اعزام تیم‌های مسلح به داخل کشور در راستای اقتدارشکنی و انجام اقدامات خرابکارانه و ضدامنیتی به صورت ویژه در دستور کار گروهک‌ها قرار گرفت که نتیجه این اقدامات نمایش‌های تبلیغی و در مواردی ترور مظلومانه تعدادی از مرتبطين بومی نظام در منطقه بوده است؛ اقداماتی که با پشتیبانی مستمر و

همه‌جانبه رسانه‌های معاند در حوزه منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و حمایت‌های پیدا و پنهان برخی از احزاب اقلیم شمال عراق (به ویژه پارتی) نیز همراه بوده است تا جایی که می‌توان گفت برخی از این رسانه‌ها در قالب رسانه‌های اپوزیسیون ظاهر شده‌اند.

علاوه بر این اقدامات، گروهک‌ها با حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی، اقدام به ساخت مقرهای متعددی نموده که در گزارش‌های مختلف مشخص شد رژیم صهیونیستی به دنبال تبدیل این مقرها به پایگاه‌های جاسوسی و شنود در کنار اقدامات نظامی و تروریستی است.

گروهک‌ها بعد از فوت مهسا امینی و اتفاقات و اغتشاشاتی که در کشور افتاد، زمینه را برای اقدامات تروریستی خود مهیاتر از همیشه ارزیابی کردند، لذا با تمام امکانات اعم از تبلیغاتی و تجهیزات نظامی، سعی داشتند که فضای غرب کشور را متشنج و جبهه‌ای علیه نظام اسلامی ایجاد نمایند. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با توطئه آمریکایی و صهیونیستی ابتدا با هشدار به گروهک‌ها سعی داشت تا آنها را از اقدامات ضدامنیتی باز دارد و با هشدار چندباره به این گروهک‌ها و حامیان ایشان در منطقه، ضمن اعلام هوشیاری نظام، آنها را نسبت به عواقب همکاری شیطانی در طرح

صهیونیستی آگاه ساخت، اما در مقابل گروهک‌های تروریستی کومله و
دموکرات بر اساس خوی وطن‌فروشی، جنایات خود را ادامه دادند تا اینکه
که با عملیات نیروی زمینی علیه مواضع گروهک‌ها اقدامات آنها متوقف
شد.

فصل نهم:

نقش و برنامه دشمن خارجی در اغتشاشات اخیر

۴۰- نقش بازیگران بیرونی در اغتشاشات اخیر را بیان کنید.

همانطور که رهبر انقلاب فرمودند: بازیگر اصلی اغتشاشات اخیر امریکا و رژیم صهیونیستی و عوامل منطقه‌ای آنها به خصوص رژیم سعودی بودند. تقریباً از خرداد ماه عملیات طراحی این آشوب‌ها با تشکیل اتاق فکر مشترک از گروه‌های معارض جمهوری اسلامی با حمایت مالی عربستان کلید خورد که اخبار آن را سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی به صورت مبسوط اعلام خواهند کرد، ولی در فضای آشکار با شروع اعتراضات و مرگ مهسا امینی که کلید رمز آن بود، کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا تمام‌قد وارد صحنه شدند. در اولین اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا هفت مقام امنیتی و گشت ارشاد را تحریم کرد و جنت‌یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا خواهان پایان سرکوب اعتراضات و حفظ حقوق مدنی و آزادی بیان در ایران شد.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در توییتهی گفت: مهسا امینی امروز باید زنده می بود ولی در عوض مردم آمریکا و ایران عزادار وی هستند. ما از دولت ایران می خواهیم که بدرفتاری سیستمی علیه زنان را متوقف کند و اجازه دهد اعتراضات مسالمت آمیز برگزار شود. در ادامه جک سالیوان طی مصاحبه با NBC از اعتراضات ایران حمایت کرد و گفت ما سعی می کنیم به گسترش آزادی اینترنت در ایران کمک کنیم. در همین ارتباط روزنامه نیویورک تایمز نوشت: کاخ سفید با مسئولان SPACE-X در ارتباط است و سعی در کمک به معترضان در ایران و برقراری اینترنت برای آنها دارد و مقامات کاخ سفید در تلاش هستند دیش های استارلینک را از طریق قاچاق یا پرتاب کردن با پهپاد به دست معترضان برسانند.

همزمان کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از دولت بایدن خواست از اعتراضات در ایران حمایت کند و گفت وگوهای هسته ای را متوقف کند و به دنبال آن وزارت خارجه آمریکا در بیانیه ای ۱۰ شرکت نفتی و یک نفتکش را تحریم کرد.

حال شما این اقدامات را با کشته شدن شیرین ابوعاقله خبرنگار آمریکایی - فلسطینی شبکه الجزیره در کرانه باختری با جلیقه خبرنگاری توسط سربازان

رژیم صهیونیستی مقایسه کنید که سخنگوی کاخ سفید فقط اعلام کرد که عاملین این اقدام باید شناسایی شوند و رژیم صهیونیستی باید متعهد شود که این اقدامات دیگر تکرار نشود.

نقش رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی با استفاده از شبکه بهائیان که در داخل ایران فعالیت دارند، نقش عمده‌ای در شدت بخشیدن به خشونت‌ها توسط آشوبگران داشتند.

به نوشته روزنامه معاریو، الهام یعقوبیان یک یهودی ایرانی با تابعیت آمریکا که سال‌ها برای ایفای نقش به عنوان مهره اصلی موساد و سیا با هسته‌های مزدور داخلی در ایران آموزش دیده، مسئول هماهنگی اغتشاشات اخیر در ایران بوده است. البته به توثیت جمال ریان، مجری سرشناس شبکه الجزیره هم می‌توان اشاره کرد که در توثیتی گفت: اعتراضات در ایران صددرصد ساخته و پرداخته سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی و به طور مشخص واحد ۸۲۰۰ سری‌ترین یگان اطلاعات نظامی اسرائیل است. این توثیت با خشم وزارت خارجه رژیم صهیونیستی روبه‌رو شد.

در فضای آشکار وزارت خارجه رژیم صهیونیستی همزمان با شروع اغتشاشات رسماً از این آشوب حمایت و اعلام کرد ما اعتراضات مردم

شجاع ایران را از نزدیک دنبال می‌کنیم. البته اورهیلر تحلیلگر نظامی رژیم صهیونیستی در شبکه ۱۳ تلویزیون این رژیم گفت: در نهادهای امنیتی همه مقامات نسبت به موفقیت تظاهرات ایران در ایجاد تغییر در این کشور بدبین هستند.

نقش رژیم سعودی: رژیم آل سعود در جریان این اغتشاشات وظیفه تأمین مالی و تجهیزات نظامی گروه‌های جدایی طلب کرد و بلوچ را به عهده داشت و یکی از فرماندهان ارشد این رژیم در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت که ما وعده کشاندن درگیری‌ها به داخل ایران را عملیاتی کردیم و به همین دلیل این کشور حمله ایران به پایگاه‌های کومله، پژاک و حزب دموکرات را در داخل عراق محکوم کرد. در فضای رسانه‌ای علاوه بر شبکه ایران اینترنشنال و من و تو که تمام وقت تلاش می‌کردند مردم را به سمت درگیری بکشانند، شبکه‌های خبری العربیه، الحدث و اسکای نیوز برنامه‌های ویژه‌ای برای پوشش اغتشاشات در ایران داشته‌اند. حتی بعضی از ثروتمندان سعودی مانند منصور المالک علاوه بر در اختیار قرار دادن صفحه توییتر خود برای تبلیغ و حمایت از اغتشاشات، سعی می‌کرد لبنانی‌ها را برای تجمع در مقابل سفارت ایران در لبنان تحریک کند.

۴۱- آیا نحوه اعتراضات نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دشمن برای

سوریه‌سازی ایران است؟

بررسی روندها در آشوب‌های اخیر و حادثه تروریستی زاهدان، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دشمن برای سوریه‌سازی ایران است. با دو گزاره می‌توان به این نتیجه رسید: الف- اغتشاشات و حوادث تروریستی امسال، تمرکز بر روی تضعیف نیروی‌های امنیتی بوده است. در واقع بی‌اعتبارسازی نیروی انتظامی، باعث می‌شود که هرج و مرج در کشور بیشتر شود و بحران و اغتشاشات را نتوان مدیریت کرد و در نتیجه زمان اعتراضات طولانی خواهد شد که این همان رویکردی بود که در سوریه اتفاق افتاد و مدیریت از دست حکومت سوریه در رفت.

ب- در سوریه محور عبری- غربی- عربی بر روی اقوام به خصوص قوم کُرد تمرکز زیادی داشتند. به طوری که در کشور ما هم در این دوره بر روی فعالسازی گسل اقوام تمرکز ویژه‌ای صورت گرفت. اینکه در این وضعیت به بهانه فوت یک زن از قوم کُرد، بلافاصله گروهک‌های تروریستی کُردی همچون کومله فعال شد، به معنای برنامه‌ریزی مدل سوری

در ایران توسط سرویس امنیتی رژیم صهیونیستی می‌باشد. باید توجه داشت که اسرائیل به عنوان عضوی بیگانه و ادغام‌ناشدنی با محیط اطراف با ویژگی‌هایی به شدت نژادپرستانه و تجاوزکارانه، همواره درگیر ملاحظات شدید امنیتی است. در این محیط، رژیم صهیونیستی اقلیت‌های قومی-مذهبی موجود در منطقه را عقبه استراتژیکی سیاست‌های امنیتی خود در برخورد با کشورهای مسلمان قلمداد می‌کند. رژیم صهیونیستی در چارچوب دکترین پیرامونی، طرح اتحاد با کشورها و اقلیت‌های قومی-مذهبی همسو را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و پیوندهایی را با اقلیت‌های قومی-مذهبی منطقه برقرار کرده است. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که مدل سوری‌سازی کشورها یک راهبرد اساسی در نظر صهیونیست‌هاست که برای کشورهای محور مقاومت در نظر گرفته شده است. بنابراین روزی که اولین گلوله از اسلحه معارضان سوری در دمشق خارج شد، کمتر کسی فکر می‌کرد سوریه در حال قربانی شدن برای یک طراحی غربی جهت شکل‌گیری جنگ داخلی، تجزیه و دخالت کشورهای آمریکایی و اروپایی است. اما این اتفاق رقم خورد و مردم این کشور اصلی‌ترین قربانیان آن شدند. حوادث تروریستی زاهدان در کنار کشف

مقادیر زیادی سلاح و مواد منفجره در مناطق مختلف کشور را شاید بتوان
به عنوان ورود رسمی سناریونویسان ضدایرانی برای سوریه‌سازی ایران
عنوان کرد.

فصل دهم:

خسارت‌های اغتشاشات اخیر بر اقتصاد کشور

۴۲- خسارت‌های وارده بر کشور در اغتشاشات اخیر چه

میزان بوده است؟

در جریان اغتشاشات اخیر، خسارات بسیار زیادی به کشور وارد شد که اگر قرار باشد یک تقسیم‌بندی در این زمینه داشته باشیم، آنها را به دو دسته خسارت‌های مشهود و نامشهود می‌توان تقسیم کرد. از طرف دیگر می‌توان آنها را در دو دسته کلی خسارات کلان و خرد مورد بررسی قرار داد. در عرصه کلان می‌توان به خطر افتادن سرمایه‌گذاری خارجی و قدرت چانه‌زنی در بیرون و در عرصه داخلی آن که ناظر بر سطح خرد خسارات است، اشاره نمود:

- خسارت به بورس: یکی از خسارت‌های اغتشاشات اخیر همانند اغتشاشات سال ۸۸، خسارات به بازار بورس و سهام‌های کوچک که عمدتاً قشرهای متوسط به پایین جامعه هستند، می‌باشد. ناآرامی‌های اخیر موجب منفی شدن (تقریبی بورس) در بازه زمانی ۲۶ شهریور تاکنون شده است. کارشناسان این تأثیر را به رقم ۱۵-۱۰ درصدی

ارزش سهام‌های کوچک بازار می‌دانند که در همین مدت بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال پول حقیقی از بازار سرمایه خارج شد.

- خسارت ترانزیت جاده‌ای: گزارش‌ها حاکی از کاهش ۴۰ درصدی حمل‌ونقل بین‌المللی با شروع اعتراضات و ناآرامی‌ها در کشور است. هدفگذاری برای ترانزیت کالا از کشور، ۲۰ میلیون تن به ارزش تقریبی ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. این روند اگر ادامه پیدا کند و امنیت ترانزیت کالا در معرض خطر واقع شود، خسارت وارده در این بخش جدی خواهد بود. به گفته شرکت‌های ترانزیتی، در پی ناآرامی‌های اخیر و تصویر مخابره شده از ایران به جهان، ترانزیت عبوری از کشور کاهش یافته است، به طوری که برخی فورواردرها تا ۴۰ درصد افت ترانزیت را گزارش کرده‌اند. همچنین بر اساس داده‌های علمی، اگر آشوب‌های خیابانی در یک جامعه شش فصل طول بکشد، رشد اقتصادی ۱/۵ درصد کاهش می‌یابد.

- خسارت به صنعت گردشگری: معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرد: حوادث دو هفته اخیر

تأثیر قابل توجهی در لغو سفر گردشگران به داخل کشور داشته است و

این مسئله تأثیرات منفی در کسب و کارهای مشهود و غیر مشهود دارد.

- خسارت به شهرداری تهران: عبدالمطهر محمدخانی (سخنگوی

شهرداری تهران) اظهار داشت: خسارات وارده به شهرداری تهران در

جریان اغتشاشات اخیر ۲۵ دستگاه خودروی سبک و سنگین و یک

دستگاه تویوتا با تجهیزات کامل است. خسارت ناشی از تخریب این

تجهیزات بالغ بر ۶ میلیارد تومان برآورد می شود. این موضوع تنها

بخشی از ۱۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان خسارتی است که طی روزهای

۲۸ شهریورماه تا ۵ مهرماه به تجهیزات شهر تهران وارد شده است.

(خسارت های مربوط به شهرداری های سایر شهرهای کشور هنوز جمع-

بندی نشده است.)

- رئیس سازمان اورژانس کشور نیز خسارات وارده به ۸۵ دستگاه

آمبولانس در اغتشاشات اخیر را معادل یکهزار میلیارد ریال به برآورد

کرده است.

- تأثیر اغتشاشات بر کسب و کارهای اینترنتی: نت بلاکس اعلام کرده که

قطعی اینترنت در ایران ساعتی یک و نیم میلیون دلار معادل ۴۵ میلیارد

تومان زیان اقتصادی به کشور وارد می‌کند. یعنی حدوداً روزی هزار میلیارد تومان و در مجموع این ۱۱ روز، رقمی معادل ۱۱ هزار میلیارد تومان. علاوه بر آن تجارت نیوز نوشت: برای بزرگی این زیان کافی است که بدانیم درآمد نفتی ایران در سال گذشته حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان بود. این رقم به آن معناست که قطع اینترنت به اندازه یکسال درآمد نفتی به اقتصاد ایران ضرر زده است. عضو هیئت مدیره کسب و کارهای اینترنتی نیز اظهار داشت: افزایش ۳ هزار درصدی استفاده از فیلترشکن‌ها در دو هفته اخیر، خطر جدی برای ۴۰۰ هزار کسب و کار آنلاین اینستاگرام، علاوه بر زیان اقتصادی مستقیم، می‌تواند اشتغال بسیاری از افراد را هم تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس برخی گزارش‌ها، یک میلیون شغل تنها در اینستاگرام ایجاد شده است. از طرفی به گزارش سرویس اقتصادی برخط نیوز به نقل از خبرآنلاین، برآوردهایی وجود دارد که سایت‌های ایرانی سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد تومان برای SEO فقط روی گوگل هزینه می‌کنند که هنگام جست-وجوی کالاها و خدمات توسط مشتریان بالاتر و بهتر دیده شوند. وقتی گوگل قطع است، کل این هزینه‌ها هدر می‌رود.

- خسارات وارد بر بانک‌ها: در جریان ناآرامی‌های روزهای اخیر تا زمان تنظیم گزارش، ۱۷ شعبه بانک در سراسر کشور دچار آتش‌سوزی شده است. در استان خراسان شمالی پنج شعبه بانک دچار آتش‌سوزی ۹۰ تا ۱۰۰ درصدی، در استان آذربایجان شرقی سه شعبه دچار آتش‌سوزی ۹۰ درصدی و در استان همدان دو بانک دچار آتش‌سوزی ۱۰ تا ۲۰ درصدی شدند. همچنین در استان ایلام چهار بانک دچار آتش‌سوزی صددرصدی و سه بانک دچار آتش‌سوزی ۳۰ تا ۴۰ درصدی شده است. در جریان ناآرامی‌های اخیر حداقل ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت به شعب بانک‌ها وارد شده است.

خسارت‌های وارده، خسارت‌های مشهود و آشکار بوده و خسارت‌های نامشهود همانند تعطیلی کسب و کارها در مناطق اغتشاش، رکود بازار در این مناطق، خسارت به اموال شخصی و جان مردم و... در برآوردها نیامده است.